

واژگان جامع روان‌شناسی

تألیف

دکتر علی صاحبی

دکترای روان‌شناسی بالینی

فوق دکترای اختلالات و سواس

مربی ارشد و عضو هیئت علمی موسسه دکتر ویلیام گلسر

دکتر حسن حمیدپور

دکتر مهدی اسکندری

دکترای مشاوره، مربی و عضو هیئت علمی موسسه ویلیام گلسر

با همکاری:

شادی استاد میرزایی	مینا آدینه
دکتر مهدیه تویسرکانی	سمیه ترکاش‌وند نژاد
ساناز پیرمرادی	فاطمه تویسرکانی
رضا رحیمی	ملیکا حضوری
طناز فرخزاد	سمیرا رعنائی
صفورا عباسی	دکتر لیلا فالاحی
فرهاد معمار صادقی	شیدا لطفعلیان
وحیده وطن خواه	عباس نظری

مهسا یونسی



فهرست مطالب

۱۶.....	A
۷۶.....	B
۱۰۷.....	C
۱۹۶.....	D
۲۶۲.....	E
۳۲۳.....	F
۳۶۵.....	G
۳۹۱.....	H
۴۲۳.....	I
۴۳۳.....	J
۴۳۸.....	K
۴۴۲.....	L
۴۷۲.....	M
۵۴۰.....	N
۵۷۳.....	O
۶۰۶.....	P
۷۲۷.....	Q
۷۳۱.....	R
۷۸۸.....	S
۹۲۳.....	T
۹۷۹.....	U
۹۹۹.....	V
۱۰۲۰.....	W
۱۰۳۴.....	X
۱۰۳۵.....	Y
۱۰۳۷.....	Z
۱۰۳۹.....	منابع

مقدمه

اگر روزی به امپراتوری برسم، بی‌درنگ به نوشتن یک کتاب فرهنگ می‌پردازم، زیرا همه رنج و ناکامی مردم از این است که درباره کلمات با یکدیگر تفاهم ندارند. (یک حکایت چینی)

این حکایت یادگاری است از فرزانه‌ای در سرزمین باستانی چین. اما تاریخ چین، امپراتوری چین فرزانه‌ای را به یاد ندارد. اگرچه امروز شماره فرهنگ‌نامه‌ها از حساب بیرون است، سرفصل‌های بزرگ تاریخ ملل نیز چیزی جز حکایت گسیختگی رشته‌های تفاهم نیست. آیا به‌واقع حکیم چینی ساده‌دل درباره میزان تأثیر یک کتاب فرهنگ و امکانات و توانایی لازم برای تألیف آن مبالغه نمی‌کرده است؟ شاید او به تلاش‌های عظیمی نظر داشته است که بایستی در راه برقراری مبانی یک فرهنگ خلاق صورت گیرد؛ فرهنگی که همچون درختی تناور، ظریف‌ترین برگ‌هایش نیز از یک ریشه و یک مایه سیراب شود؛ فرهنگی که اجتماع آدمیان را از محرومیت‌ها و ستم و فرومایگی‌ها به‌دور نگه‌دارد. اگرچه فرهنگ واجد مؤلفه‌های گوناگونی است، اما به‌نظر می‌رسد که زبان یکی از مهم‌ترین عناصر فرهنگ بشری محسوب می‌شود. از این‌رو شاید بیراهه نرفته باشیم اگر فکر کنیم که زبان و پژوهش درخصوص آن به گروه خاصی از عالمان که آن‌ها را زبان‌شناس می‌نامند اختصاص ندارد.

البته زبان‌شناسان از دیدگاه خود مطالعات زبان‌شناسی را دنبال می‌کنند، اما روان‌شناسان، جامعه‌شناسان، انسان‌شناسان و دیگر متخصصان علوم اجتماعی و حتی فلاسفه، به مسئله زبان بسیار اهمیت می‌دهند و توجه خاصی مبذول آن کرده و می‌کنند.

اهمیت زبان در پدیدآیی، ساخت و تحول اندیشه باعث شده که زبان جایگاه خاصی در پژوهش‌های معاصر به دست آورد. می‌دانیم امروزه در عصر اینترنت و شبکه‌های ارتباطی سریع، روابط بین ملت‌ها و اقوام و برخورد فرهنگ‌ها و تمدن‌ها بسیار پیچیده شده است. این رابطه که درواقع می‌توان آن را به‌صورت تمایل و نیاز به شناخت و فهم دیگر تمدن‌ها و فرهنگ‌ها تعبیر کرد، مسئله اهمیت زبان‌ها و ساختمان و بنیان آن‌ها را مطرح می‌کند.

با نگاهی واقع‌بینانه به وضعیتمان به‌خوبی درمی‌یابیم که امروز فرهنگ و تمدن و اندیشه ایرانی در منطقه البروج اضطراب قرار گرفته است. تمدن و فرهنگ ایرانی باید درخصوص خاستگاه‌های اندیشه‌ورزی و دیدگاه و نگرش تمدن‌ها و فرهنگ‌های دیگر، بسیار بداند و از جمله، زبان دیگر تمدن‌ها را که ابزار تفاهم و اندیشه‌ورزی ایشان محسوب می‌شود، خوب بشناسد. دلیل اساسی‌اش این است که اگر تمدن و فرهنگ ایرانی می‌خواهد زنده و پایدار بماند، باید تفکر و اندیشه همسایگان سیاره‌ای خود را درک و جذب کند. در این

زمینه ترجمه و فهم آثار مکتوب و غیرمکتوب که به زبان‌های گوناگون نوشته شده است، مشکلات تازه‌ای به بار می‌آورد.

این مشکلات که ظاهراً در قلمرو زبان مطرح می‌شود، مربوط به اختلاف در فرهنگ و نحوه تفکر است و وقتی به آن دقیق نگریسته شود، مسئله به صورتی جدی‌تر خود را نشان می‌دهد و نشانه‌های اختلاف فرهنگی در زبان ظاهر می‌شود. مترجمان با این‌که غالباً در کارشان به اشکالات بسیاری برمی‌خورند، به این نکته توجه نمی‌کنند که افکار و اندیشه‌های متعلق به یک فرهنگ را نمی‌توان به زبان دیگری غیر از زبان آن فرهنگ بیان کرد.

اگر فرهنگ‌ها با هم اختلاف دارند و زبان و اندیشه و فرهنگ هم با یکدیگر در تعامل‌اند و منفک از هم نیستند، ترجمه آثار فرهنگی و هنری، تقریباً امری است محال. به این ترتیب برای فهم درست یک فرهنگ باید زبان را نه به طور سطحی و صرفاً برای محاوره و تفهیم و تفاهم مربوط به زندگی روزمره آموخت، بلکه باید آن را چنان یاد گرفت و با آن مأنوس شد که حضور فرهنگ را احساس کرد؛ و گر نه از طریق آشنایی با یک فرهنگ و رفتارها و افکار اقوام، آن هم با اطلاق نحوه تفکر و زبان و مفاهیم شاخص محقق در معانی آن فرهنگ، به جایی نمی‌توان رسید.

متأسفانه با نگاهی اجمالی به آثار ترجمه‌شده چند سال اخیر مشاهده می‌کنیم که در نگاه برخی مترجمان، زبان به شیء تبدیل شده است. با این نگاه بسیاری از کسانی که به کار ترجمه مشغولند زبان را مثل هر وسیله دیگری امری حاشیه‌ای و بی‌اهمیت پنداشته‌اند.

این نگرش نسبت به زبان را با نوعی نام‌باوری (نومینالیسم) می‌توان همبسته دانست؛ زیرا با این نگرش و از دیدگاه نام‌باوری، زبان فقط اسم و کلمه است و دلالت لفظ بر شیء دلالتی وضعی است و ارتباطی میان کلمه و شیء وجود ندارد. اما باید توجه داشت که در گستره زبان‌شناسی و روان‌شناسی، زبان از آن جهت که باعث ایجاد مفاهیم کلی و تفکر مفهومی شده است، اهمیت فردی و نوعی خود را در تاریخ تفکر و تمدن آدمی حفظ می‌کند. بنابراین زبان را باید از جایگاهی ژرف‌تر نگریست. به عبارت دیگر زبان واسطه میان «من» و جهان و «من» و دیگران است و این «من» از آن‌جا که در شرایط تاریخی قرار دارد آنچه می‌گوید ممکن است نو و بدیع باشد و برای فهمش باید تلاشی مضاعف انجام داد.

مفاهیم کلی، سازه‌ها و تفکر مفهومی در قلمرو فعالیت‌های علمی - پژوهشی نیز شدیداً تحت تأثیر ساختار و محتوای زبانی آن علم قرار دارد؛ از این رو اگر کسی قصد دارد به کنه و ذات مفاهیم علمی یک شاخه از دانش بشری دست یافته و اندیشه‌های زیربنایی و یافته‌های پژوهشی آن حوزه را به خوبی درک و جذب کند، لازم است تا به زیرساخت‌های زبان آن علم، آگاهی داشته باشد؛ یعنی باید معانی دقیق واژه‌ها و تمایز بین «معنا» و «مضمون» کلمه را به خوبی بفهمد. همان‌گونه که ویگوتسکی بیان کرده است: «رابطه بین اندیشه و واژه فرایندی زنده است. با کلمات است که اندیشه زاییده می‌شود. کلمه تهی از اندیشه قالبی مرده است و اندیشه‌ای که در قالب کلمات تجسم پیدا نکند، اثری و لمس‌ناشدنی است!» (ویگوتسکی، به نقل از قاسم‌زاده، ۱۳۷۶).

همان‌طور که می‌دانیم برای فهم هر علم و یافته‌های پژوهشی آن، درک مفاهیم بنیادی و بار معنایی واژگان تخصصی ضروری است؛ اما همچنان که ویگوتسکی معتقد است برای فهم گفتار، فهم کلمات به تنهایی کافی

نیست؛ باید اندیشه صاحب گفتار را فهمید. حتی اندیشه او نیز کافی نیست، باید انگیزه او را هم شناخت. تحلیل روان‌شناختی کلام تا زمانی که در این سطح منظور نشده است کامل نیست (همان، ص ۶۴). ویگوتسکی برای پردازش معناشناختی واژگان دو سطح قائل است: ۱. سطح معنایی، ۲. سطح مضمونی. مضمون کلمه عبارت است از مجموعه رویدادهای روان‌شناختی که به وسیله کلمه در آگاهی ما برانگیخته می‌شود. مضمون، یک کل پویا، سیال و بغرنج است که چندین حوزه را در بر می‌گیرد. معنا تنها یکی از حوزه‌های مضمون و باثبات‌ترین و دقیق‌ترین آن‌هاست. سطح معنایی همان سطحی است که درک جدای از بافت را عملی می‌کند. با این مقدمه شاید برای خواننده نیت و ضرورت تدوین این فرهنگ روشن شده باشد. هدف اساسی گردآوری این اثر فراهم‌ساختن بستری مناسب برای دانشجویان، مترجمان و دانشوران فعال در قلمرو روان‌شناسی و علوم تربیتی است تا با فهم واژگان روان‌شناسی و درک درست «معنا» و «مضمون» واژگان در متون علمی - تخصصی روان‌شناسی، زمینه اندیشه‌ورزی، تولید و بهره‌وری درست از ظرفیت‌های جامعه علمی ایران در این زمینه خاص فراهم آید.

ما در قلمرو روان‌شناسی، همانند دیگر قلمروهای علمی، با واژگان بسیاری سروکار داریم که درون‌سازی کامل آن‌ها شرط درک مفاهیم بنیادی و اندیشه زیربنایی علم روان‌شناسی خواهد بود.

متخصصان و مترجمان مختلف، با توجه به زمینه تخصصی خود، تسلط بر زبان مبدأ و مقصد، صلاحیت علمی و از همه مهم‌تر متنی که واژه در آن به کار گرفته شده، معانی مختلفی را برای واژگان تخصصی پیشنهاد کرده‌اند. گذشته از زبان‌پیشی‌ها و مشکلات زبانی که در این میان به وجود آمده، کاربردهای متعدد و معانی مختلفی که مترجمان مختلف برای یک واژه خاص پیشنهاد داده‌اند موجب شده است که مترجمان، دانشجویان و دانشوران این حوزه در انتخاب برابرها با مشکلات مختلفی روبه‌رو شوند و بعضاً در انتخاب یک معنا بر سر چندراهی بمانند. به‌عنوان نمونه واژه *Reliability* و *Validity* را در نظر بگیرید. گروهی از صاحب‌نظران برای اولی معنای «اعتبار» را پیشنهاد کرده‌اند و گروهی دیگر «قابلیت اعتماد»، گروهی دیگر «ثبات» و گروهی دیگر «پایایی». برای واژه دوم نیز این ترجمه‌ها پیشنهاد شده است: «روایی»، «اعتبار»، «دقت» و «صحت». امروزه در برخورد با بسیاری از واژگان روان‌شناسی کم‌وبیش با چنین وضعیتی روبه‌رو هستیم. پرواضح است که هر واژه با توجه به متن و زمینه و موضوع، دارای «معنا» و «مضمون» خاصی است و نمی‌توان تنها یک معنای مشخص را برابرنهاد درست آن تلقی کرد. در واقع هر واژه مضمون خود را از متنی که در آن پدیدار می‌شود کسب می‌کند. این مضمون در متن‌های مختلف فرق می‌کند، ولی مطمئناً در سراسر این تغییرات ثابت باقی می‌ماند. به بیان روشن‌تر، معنای لغوی هر کلمه چیزی بیش از قطعه‌سنگی از عمارت عظیم و مضمون آن چیزی بیش از امکان بالقوه‌ای که به شیوه‌های گوناگون در گفتار تحقق پیدا می‌کند، نیست» (همان، ص ۶۷).

از این رو ما به‌عنوان پژوهشگران این اثر، با توجه به اهمیتی که زبان و پردازش معنایی واژگان در درونی‌سازی مفاهیم زیربنایی و روان‌شناسی ایفا می‌کند، اقدام به جمع‌آوری ترجمه‌های مختلف واژگان روان‌شناسی از متون مختلف کردیم و با ذکر منبع و متنی که واژه از آن گرفته شده و با استناد دقیق به مترجمی که برابرنهاد را پیشنهاد کرده است، سعی کردیم تا ذهن خواننده را با حوزه‌های مختلف معنایی هر واژه آشنا

کنیم، تا خود خواننده با در اختیار داشتن مضمون‌های مختلف برآمده از هر واژه، معنای مطلوب و مناسب را برای متن خود انتخاب کند.

برای این منظور الگوی اصلی کار، تلاش اولیه داریوش آشوری در پژوهشکده علوم اجتماعی بوده است. آشوری نخستین بار پیشگام جمع‌آوری برابرنهادهای مختلف واژگان علوم اجتماعی شد و کتابچه‌ای را تدوین کرد. سپس پروژه او در مرکز مطالعه و تحقیقات اجتماعی وزارت علوم پیگیری شد و در نهایت زیر نظر بهاء‌الدین خرمشاهی و با تلاش خانم ماری آفاجانیان در دو جلد، تحت عنوان فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی منتشر شد. الگوی اصلی کار در اثر حاضر نیز فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی است. در حوزه روان‌شناسی از قرار معلوم اولین بار صاحبی و همکاران (۱۳۸۱) به انتشار فرهنگ روان‌شناسی و علوم تربیتی (استنادی) همت گماردند. زمانی (۱۳۹۳) نیز با استناد به ۲۰۵ منبع به نشر واژه‌نامه تطبیقی روان‌شناسی، روان‌پزشکی و علوم تربیتی پرداختند.

شیوه اجرای این پروژه

مرحله یک: جمع‌آوری واژگان

در این مرحله کتاب‌های دانشگاهی در حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی (ترجمه و تألیف) از دهه ۳۰ شمسی به بعد شناسایی شدند. از میان کتاب‌ها، فقط آثار مترجمان معتبر، صاحب‌نام و تحصیل‌کرده در رشته روان‌شناسی و علوم تربیتی انتخاب شد. برخی از این کتاب‌ها واژه‌نامه داشت و برخی دیگر برابرها فقط در پانویشت ذکر شده بود. در کل تعداد ۵۲۱ کتاب و منبع از مترجمان مختلف در حوزه روان‌شناسی و علوم تربیتی انتخاب شد. در مرحله اول ابتدا فهرستی از تمام آثار تهیه و سپس شروع به جمع‌آوری واژگان آن‌ها کردیم. جمع‌آوری واژگان، به صورت کپی از انتهای کتاب‌ها یا به صورت دستنویس در کتاب‌هایی که واژه‌نامه نداشتند، انجام شد. سپس واژگان مربوط به هر دهه شمسی در یک زونکن جداگانه قرار گرفت. بعد از جمع‌آوری واژگان از کتاب‌ها و مترجمان منتخب، اسامی آن‌ها را در یک جدول فهرست‌بندی کردیم و به هر کتاب و هر نویسنده یک کد اختصاص دادیم.

در مرحله بعد تمام منابع مربوط به همه دهه‌ها براساس ترتیب حروف الفبایی نام خانوادگی مترجم فهرست و کدبندی شد. به عنوان مثال به اردوبادی، احمد، کد ۱، به ساعتچی، محمود کد ۱۵ و به هومن، حیدرعلی کد ۹۶ و... اختصاص یافت.

کد	مترجم	منبع	ردیف
۸۶	کریمی، یوسف	روانشناسی اجتماعی	۱
۱۲۶	سیف، علی اکبر	تغییر رفتار و رفتار درمانی: نظریه‌ها و روش‌ها	۲

مرحله دو: تایپ واژه‌ها

پس از جمع‌آوری واژگان نوبت به تایپ آن‌ها رسید. برای تایپ لازم بود که از روش استنادی واژگان استفاده کنیم. بدین صورت که تایپیست تمام واژگان مربوط به هر دهه را با برابر نهاده فارسی آن در ستون اول و دوم تایپ می‌کند و در ستون سوم برای صرفه‌جویی در فضا و جلوگیری از تکرار چندین باره، نام هر مترجم کد مترجم آن واژه آورده شد. به عنوان مثال:

مترجم	ترجمه	واژه
۲۳	اعتبار	Validity
۱۸۸	روایی	-

مرحله ۳: نمونه خوانی و غلط‌گیری اولیه

پس از تایپ تمام واژگان برای جلوگیری از اشتباه‌های تایپی، اصطلاحات انگلیسی کار گروهی از فارغ‌التحصیلان رشته روان‌شناسی تشکیل شد تا واژگان را یک به یک با اصل متن تطبیق داده و اشتباهات تایپی را روی نسخه چاپی رفع کنند. این مرحله شش ماه به طول انجامید.

مرحله ۴: اعمال غلط‌گیری و منظم کردن دسته‌بندی بر اساس حروف الفبا

پس از تحویل نسخه کاغذی اصلاح‌شده به ناشر، موارد در فایل اصلی اعمال شده و مجدد برای نمونه‌خوانی و غلط‌گیری به کارگروه تحویل شد.

مرحله ۵: غلط‌گیری و نمونه خوانی

یکبار دیگر برای اطمینان از صحیح بودن نوشتار واژگان انگلیسی، تمام واژگان یک‌به‌یک با متن اصلی مقابله و تصحیح شد.

مرحله ۶: غلط‌گیری تصادفی

از آنجایی که طبق تجربه قبلی واژگان زیادی از چشم تایپیست افتاده بود و بسیاری از اشتباهات تایپی تشخیص داده شده در مرحله سوم همچنان در مرحله چهارم پابرجا بود، تصمیم بر این شد که از هر حرف چندین صفحه را بطور تصادفی مورد آزمون قرار دهیم تا چنانچه اشتباهی دیده شد، دوباره تمام واژگان را بررسی کنیم.

مرحله ۷: تصمیم‌گیری درباره حذف یا ماندن کدهای تکراری

پس از تایپ تمام واژگان از تمام مترجمان انتخاب‌شده، نوبت به حذف تکرارها رسید. واژگان بسیاری هستند که مترجمان معتبری یک برابر نهاد مشابه پیشنهاد داده‌اند. در این جا تصمیم بر این شد که براساس دو معیار عمل کنیم: ۱. نام مترجمی را بگذاریم که در گستره علم روان‌شناسی معتبرتر و صاحب آثار درخشان‌تری است. مثلاً بین فیروزبخش و براهنی، براهنی را برگزیدیم. ۲. در صورتی که هر دو مترجم دارای پایه علمی و سابقه تقریباً یکسانی بودند، نام مترجمی را برگزیدیم که کتابش زودتر از دیگران منتشر شده و پیشتر از دیگران واژه را به کار برده است. به‌عنوان مثال دکتر محمدنقی براهنی واژه بازخورد را در سال ۵۶ به‌کار برده، در حالی که دکتر محمود صناعی در سال ۴۸، از این رو صناعی را برگزیدیم. در صورتی که هر دو مترجم همزمان و در یک سال کتابشان منتشر شده بود، جایگاه علمی‌شان در نظر گرفته می‌شد و براساس شایستگی علمی آن‌ها، برابر نهاد مورد نظر را انتخاب می‌کردیم. به‌عنوان مثال، اگر دکتر کاردان و دکتر شکرکن واژه‌ای در روان‌شناسی اجتماعی را یکسان و در یک سال منتشر کرده‌اند، به زمینه تخصصی و شایستگی علمی آن‌ها نظر می‌کردیم و از آن‌جا که رشته تخصصی دکتر شکرکن روان‌شناسی اجتماعی بوده است و تحصیلات دکتر کاردان

آموزش و پرورش یا علوم تربیتی بوده است، کتاب دکتر شکرکن را به‌عنوان منبع آن واژه برگزیدیم. بدین‌وسیله از تکرار ترجمه‌های یکسان پرهیز کردیم.

مرحله ۸: یکسان‌سازی رسم‌الخط

در این مرحله با دریافت اطلاعات لازم از ناشر، رسم‌الخط تمام متون یکسان و یکدست شد. یکسان‌سازی رسم‌الخط بیشتر برای اصطلاحاتی بود که برخی از مترجمان آن‌ها را سرهم نوشته و برخی جدا. مانند «روانشناسی» یا «روان‌شناسی». در این بخش تمام واژگان با رسم‌الخط توصیه‌شده ناشر یکسان شدند.

ویژگی‌های خاص این واژه‌نامه

شاید برای خوانندگان محترم این پرسش پیش آمده باشد که با وجود واژه‌نامه‌ها و فرهنگ‌های دیگر علوم رفتاری و به‌ویژه در روان‌شناسی، مانند *واژه‌نامه روان‌شناسی* دکتر براهنی و همکاران و...، تهیه این فرهنگ‌نامه چه ضرورتی دارد؟

اگرچه واژه‌نامه‌های قبلی، به ویژه واژه‌نامه روان‌شناسی و زمینه‌های وابسته به دکتر براهنی و همکاران و همچنین فرهنگ اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی ماری بریجانیان و بهاء‌الدین خرمشاهی الگوی اولیه گردآوری و نگارش این واژه‌نامه بوده است، اما به دلیل جدید و بروز شدن زبان و خلق واژه‌های جدید، بسیاری از واژگان کتاب‌های یک دهه اخیر در واژه‌نامه‌های قبلی وجود ندارد. علاوه بر آوردن واژه‌های جدید و اصطلاحات تازه‌وارد به گستره روان‌شناسی، مزیت دیگر این واژه‌نامه تمرکز بر اصطلاحات و واژه‌های تخصصی روان‌شناسی است.

همچنین در انتخاب واژگان سعی شده است که فقط واژگان پیشنهادی مترجمان صاحب‌نظر و با تمرکز بر دقت و صحت واژه پیشنهادی در این واژه‌نامه گردآوری شود.

شیوه استفاده از واژه‌نامه

در این فرهنگ سعی شده است تمام اصطلاحات یا واژه‌های اختصاصی در گستره روان‌شناسی از دهه سی شمسی تا دهه نود شمسی و برابر نهاده‌های مختلف هر اصطلاح جمع‌آوری شود. سودمندی این کار در کمک به خواننده متون انگلیسی این است که هرگاه بدنبال معنی یک اصطلاح باشد می‌تواند برابرنهاده‌های گوناگون در بسترهای متنوع روان‌شناسی (بالینی، سلامت، اجتماعی، کودکان استثنائی و...) را به‌طور همزمان ببیند و معنی منطبق با متن خود را انتخاب کند. بدین‌وسیله فهم بهتری از متن اصلی به‌دست خواهد آورد.

به‌طور مثال، اگر به‌دنبال معنای واژه Attitude باشید، در برابر این اصطلاح دو معنای متفاوت خواهید یافت: ۱. بازخورد، ۲. نگرش. در جلوی هر یک از این برابرنهاده‌ها شماره‌ای مشاهده می‌کنید. این شماره کد مترجمی است که آن واژه را ابداع یا انتخاب کرده است. برای دیدن نام مترجم، شماره کد واژه را در کتابنامه آخر کتاب جست‌وجو می‌کنید. آن‌گاه متوجه می‌شوید که بازخورد واژه پیشنهادی دکتر محمود صناعی است و

واژه نگرش پیشنهاد دکتر شکرکن. حال باتوجه به شناختی که از مترجمان دارید یا با توجه به سازگاری بهتر برابرنهاد با متنی که در دست دارید می‌توانید واژه مورد نظر خودتان را انتخاب کنید. مستندبودن برابرنهادها فقط در کتاب اصطلاحات فلسفه و علوم اجتماعی بهاءالدین خرمشاهی و خانم ماری آغاجانیان آمده است. در دیگر واژه‌نامه‌های روان‌شناسی چنین کاری نشده است و در اغلب آن‌ها برای هر واژه فقط یک برابرنهاد پیشنهاد شده است، درحالی‌که در این فرهنگ برای بسیاری از واژگان برابرنهادهای متفاوتی آورده شده است که شرایط بهتری برای فهم متون اصلی فراهم می‌کند.

همکاران پروژه

همان‌طور که می‌توان دید، کار انجام‌شده با تمام محدودیت‌ها و نواقص، کاری است ارزشمند و شگرف که از دست یک یا چند نفر برنمی‌آید و اگر هم برآید کار با کیفیتی نخواهد بود. اگرچه ما آغازگر این پروژه بودیم، اما بدون دستگیری و همیاری همکاران عزیزمان به چنین دستاوردی نمی‌رسیدیم. در این‌جا لازم است از تمامی این عزیزان که مدتی طولانی در کنار ما ماندن و مشفقانه برای ترویج دانش در ایران‌زمین، بدون هیچ دریافت مالی و توقعی ساعت‌ها زمان و انرژی کمیاب خود را صرف کردند، سپاسگزاری ویژه بکنیم.

همکاران پروژه (به ترتیب حروف الفبا)

تیم گردآورنده واژگان:

مینا آدینه

شادی استاد میرزایی

سمیه ترکاش‌وندنژاد

مهدیه تویسرکانی

فاطمه تویسرکانی

ساناز پیرمرادی

طناز فرخزاد

صفورا عباسی

شیدا لطفعلیان

وحیده وطن‌خواه

تیم نمونه‌خوان اولیه:

مینا آدینه

شادی استاد میرزایی

سمیه ترکاش‌وندنژاد

ساناز پیرمرادی

طناز فرخزاد
شیدا لطفعلیان
وحیده وطن خواه

تیم نمونه خوان ثانویه:

ملیکا حضوری

سمیرا رعنائی

عباس نظری

مهسا یونسی

نظارت بر اجرا و نمونه خوان نهایی:

رضا رحیمی

دکتر لیلا فلاحی

فرهاد معمار صادقی

علاوه بر افراد مذکور، سرکار خانم هاجر براتی، زهرا میرزایی، سمیه کاظمی، ندا احمدپور و ثریا عابدی در جمع‌آوری و تهیه این واژه‌نامه نیز به ما کمک کرده‌اند. همچنین باید سپاس بیکران خود را نثار آقای دکتر محسن ارجمند، مدیر محترم انتشارات ارجمند می‌کنیم که بزرگوارانه برای این پروژه پیش‌قدم شدند و همچون گذشته در راه اعتلای علم و دانش سلامتِ روان کوشیدند و پروژه را شروع کردند و با تمام فشارهای اقتصادی و غیراقتصادی این پروژه را در دستور کار خود قرار داده و به سرانجام رساندند. دست‌میرزاد. امیدواریم این کتاب بتواند در راستای اعتلای علم و دانش روان‌شناسی در ایران زمین کمک کوچکی باشد. با امید به فرداهای بهتر برای تمام بشریت و برای مردم ایران.

علی صاحبی

حسن حمیدپور

مهدی اسکندری

Abandonment	رهاکردن (۲۴۴)، ترک (۴۱۴)، احساس وانهادگی (۲۸۹)، رهاشدگی (۲۷۱)، (۳۹۲)، (۲۰۹)، (۲۲۲)، (۲۸۶)، وانهاده، بی‌قید، بی‌بندوبار (۱۲۷)، رهاشده (۱۲۷)، (۴۳۵)، ترک، وانهادن، رهاکرد (۱۲۷) وانهادگی (۱۲۷)، (۴۰۵)؛ ترک‌شدن (۴۱۱)؛ طرد و رهاشدگی (۴۳۵)، (۲۷۲)
Abandoned child	کودک رهاشده (۳۳۱)
Abandoned object	أبژه وانهاده (۱۲۷)
Abandoning	رهاسازی (۴۵۹)
Abandonment child mode	ذهنیت کودک رهاشده (۳۳۱)
Abandonment depression	افسردگی رهاشدگی (۴۳۵)
Abandonment, Instability	رهاشدگی، بی‌ثباتی (۳۳۱)
Abasement	زبونی، خاک‌ساری، خوارکردن (۱۲۷) خوارطلبی (۳۲۹)، (۴۰۴)؛ خوارطلبی (۱۸۹)، برانگیختگی شنیداری (۲۱۸)
Abasement need	نیاز به حقارت و فروتنی (۱۰۷)
Abasia	عدم‌قدرت راه‌رفتن (۲۵۲)
Abba	پدر (عنوان اُسقف در کلیسای سوربایی) (۱۲۷) صومعه‌دار، کلیسایی، اهل کلیسا (۱۲۷)
Abbacy	صومعه‌داری، دیربانی (۱۲۷)
Abbe Mendel	آزمایش‌های مندل (۲۳)
Abess	راهبه بزرگ، بانوی صومعه‌سرا (۱۲۷)
Abbey	دیر، صومعه، دیرنشینان، اهل صومعه (۱۲۷)
Abbot	صومعه‌دار، دیربان (۱۲۷)
Abbotship	صومعه‌داری، دیربانی (۱۲۷)
Abbreviated action	عمل (نمایش) اختصاری (۶۴)
Abbreviated acts	اعمال مختصرشده (۶۴)
Abbreviated form	شکل اختصار (۶۴)
Abbreviated grief	سوگ مختصر (۲۳۹)
Abbreviated movement	حرکتی اختصاری (۶۴)
Abbreviation	کوته‌نویس (۱۲۷)؛ اختصار (۳۶۷)؛ حرف اختصاری (۳۸۸)
Abbreviator	کوته‌نویس (۱۲۷)
Abdication	کناره‌گیری از مقام، واگذاری مقام (۱۲۷)؛ دست‌کشیدن (۴۱۴)
Abdominal ganglion	
گرهک شکمی، عقده شکمی (۴۴۴)؛ عقده عصبی شکمی (۴۴۷)	
Abducens	عصب قرقره‌ای (۲۲۶)؛ دورکننده (۱۷۰)
Abduction	آدم‌دزدی، بچه‌دزدی، قیاس، ظن، گمانه‌زنی، گمانه‌زن (۱۲۷)؛ انعکاس موضوع و محمول (۱۲۹)؛ دورشدگی (۲۰۳)؛ حدس (۳۴۸)
Abductive inference	استنتاج گمانه‌زن (۱۲۷)؛ استقصاء (۱۲۹)
Abductor	آدم‌دزد، بچه‌دزد (۱۲۷)
Abecedarian	الفبآموز، نوآموز، ابجدخوان، پایه‌آموز، الفبایی، پایه‌ای، الفبایی (۱۲۷)
Aberrance	کژروی، گمراهی (۱۲۷)
Aberrant	کژرو (۲۰۳)؛ غیرعادی (۴۱۴)
Aberration	کژروی، گمراهی، کژتایی، پریشان‌دماغی (۱۲۷)؛ کج‌روی (۳۹۸)
Abeyant	بی‌سرانجام، سرگردان (۱۲۷)
Ability	توانایی (۱۶)، (۵۶)، (۵۸)؛ توان (۱۸)، (۱۲۷)؛ توانش (۲۴)، (۱۰۵)، (۱۰۶)؛ استعداد (۱۲۱)، (۱۲۷)، (۲۱۲)؛ توانمندی (۱۲۷)؛ زبردستی، مهارت (۲۵۲)
Ability aptitude	استعداد (۱۶۷)
Ability based	توانایی‌بنیان (۳۲۳)
Ability continuum	پیوسته‌استعداد (۲۵۲)
Ability grouping	گروه‌بندی براساس قابلیت‌ها (۷۳)
Ability test	تست توان (۱۲۷)؛ آزمون‌های توانایی (۱۱۷)
Ability to learn	استعداد یادگیری (۳۲)
Ability to visualize	توانایی تجسم‌کردن (۲۳۴)
Ability traits	صفات توانشی (۲۶۰)، (۲۹۲)، (۳۴۰)
Abiogenetic	جماداز (۱۲۷)
Abiotic	جماد، بی‌جان (۱۲۷)
Ablation	عضوبرداری (۸۴)؛ قطع (۲۰۳)؛ روش قطع‌کردن (۱۸۸)، (۲۵۲)
Ablative	آزشی (۱۲۷)
Ablaut	واکه‌گشت (۱۲۷)
Ablution	غسل، وضو، آب وضو، غسل‌آبه (۱۲۷)
Ablutomania	وسواس شست‌وشو (۱۲۷)؛ وسواس خودشویی (۲۵۲)

- Abnegation چشم‌پوشی، ترک نفس (۱۲۷)
- Abnormal نابهنجار (۱۸)، (۲۴)، (۵۲)؛ مرضی (۲۳۶)؛ غیرعادی (۲۵۲)
- Abnormal behavior رفتار نابهنجار (۱۸۰)، (۱۸۲)؛ رفتار غیرعادی (۱۴۸)
- Abnormal mental trends نشانه‌های غیرطبیعی روانی (۱)
- Abnormal psychology روان‌شناسی رفتار غیرعادی (۱۶)، روان‌شناسی نابهنجار (۳۶)؛ روان‌شناسی نابهنجاری (۱۲۷)، (۱۸۱)؛ روان‌شناسی رفتارهای نابهنجار (۱۴۴)؛ روان‌شناسی رفتار غیرعادی (۱۸۸)، (۲۵۲)
- Abnormality نابهنجاری (۸۰)، (۱۲۷)، (۲۱۲)
- Abode نشیمن، خانه، سرا (۱۲۷)
- Abolishment برچیدن، برافکندن، نابودکردن، لغوکردن (۱۲۷)
- Abolition برافکنی، براندازی، نابودگری، لغو، برافکندن بردگی (۱۲۷)؛ برانگیختگی (۲۰۳)
- Abolitionism نابودخواهی، لغوخواهی، بردگی‌ستیزی (۱۲۷)
- Abolitionist مطلق‌گرایان (۸۴) T نابودخواه، لغوخواه، بردگی‌ستیز (۱۲۷)
- Aborigine اصلی، آغازین، بومی، بوم‌زی (۱۲۷)
- Aborticide جنین‌اندازی، جنین‌کشی (۱۲۷)
- Abortifacient دارو یا وسیله جنین‌انداز، جنین‌اندازی، سقط جنین، افگانه (جنین سقط‌شده)، دژزاد (نوزاد نابهنجار و هیولوار) (۱۲۷)
- Abortion سقط جنین عمدی (۴۰۰)، (۴۰۲)
- Abortionist افگانه کار، جنین‌انداز (۱۲۷)
- Abortive (بچه) نارس، جنین‌انداز (۱۲۷)؛ ناکامل و عقیم (۲۵۲)
- Abortive runaway فرار ناموفق (۳۰۸)
- Aboulia بی‌ارادگی (۲۵۲)
- Aboulic بی‌اراده (۲۵۲)
- Aboulie بی‌ارادگی (۴۳)
- Aboutism توصیف‌نگری (۱۸۷)
- Aboutness درباره چیزی بودن (۳۹۰)
- Abreaction تخلیه هیجانی ضمنی روان‌کاوی (۳۵)؛ تخلیه هیجانی (۸۳)، (۹۸)، (۹۹)؛ برون‌ریزی عملی (۱۱۱)، (۱۱۳)؛ وارهانندن (۱۲۷)؛ وارهانش (۱۲۷)، (۲۰۳)؛ بروز احساسات (۱۸۷)؛ آزادی و رهایی احساسات فشرده‌شده، پالایش روانی، تصفیه روانی (۲۵۲)؛ زنده کردن واکنش، تخلیه هیجان ضمن روان‌کاوی (۴۵۲)
- Abreaction catharsis پالایش روانی، روان‌پالایی (۲۵۲)
- Abreaction or catharsis تخلیه هیجانی یا پالایش (۳۲۰)
- Abreactive وارهاننده (۲۰۳)
- Abridgement فشرده‌گری، چکیده‌گیری، فشرده‌نویسی، چکیده‌نویسی، خلاصه، فشرده (۱۲۷)
- Abrogation نسخ، لغو، برافکنش (۱۲۷)
- Abrupt onset شروع ناگهانی (۴۱۴)
- Abruptly over whelm استیصال‌های غیرمتقربه (۴۱۴)
- Abruptness ناگهانی‌بودن (۱۹۲)
- Abscess آبسه (۲۰۸)
- Abscissa محور افقی (۶)، (۹۲)، (۱۵۰)، محور طول (۲۴)، (۲۵۲)؛ محور طول‌ها (۱۵۰)، (۳۲۴)؛ محور طولی (۳۱۰)؛ طول (۹۲)
- Absence غیاب (۴۳)، (۲۰۳)، (۲۵۲)؛ فقدان-غیاب (۱۰۰)؛ غیبت (۱۲۷)، (۲۵۲)؛ نبود، نباشندگی (۱۲۷)؛ نخستی (شخصیت تغییر یافته همراه گم‌گشتگی) (۲۱۷)؛ حالت غیابی (۲۵۲)
- Absence of intuition فقدان شهود (۳۶۸)
- Absence of involvement فقدان تعامل (۳۰۸)؛ فقدان مشارکت (۳۷۳)
- Absence of mind عدم تمرکز یا حواس‌پرتی (۱۵۹)
- Absence of omission bias سوگیری حذف مسئولیت (۴۲۵)
- Absence seizures تشنج‌های غیابی (۳۸۴)
- Absent mindedness خیره‌شدن (۸۵)؛ غایب، نباشنده (۱۲۷)؛ حواس‌پرتی (۱۲۹)، (۱۶۹)، (۲۱۶)؛ بی‌توجهی (۳۶۸)
- Absent ejaculation فقدان انزال (۲۰۵)
- Absent grief فقدان سوگ (۲۳۹)
- Absent member عضو غایب (۳۰۸)
- Absent minded غیاب فکری (۴۵۲)
- Absent qualia problem مشکل فقدان خصایص کیفی (۱۲۹)
- Absentee landlord مالک غایب (۱۲۷)
- Absentee ownership مالکیت غایبانه (۱۲۷)
- Absenteeism غیبت (۸۹)؛ غیبت از کار (۱۰۶)، (۲۱۲)؛ غیبت‌گری (از کار، مدرسه و جز آن)، نباشندگی، مالکیت غایبانه (۱۲۷)؛ غیبت رسمی (۲۵۲)؛ فرار از کار، کارگری (۴۵۲)

Absolute determinism	مطلق (۷۸)، (۱۱۲)، (۱۲۷)؛ قطعی (۲۶۹)؛ مطلق، تمام، یک‌پارچه، ناب، محض، بی‌حد، بی‌قیدوشرط، علت‌گرایی (۱۱۰)	Absolute zero	صفر مطلق (۹۷)، (۱۰۵)، (۱۲۵)
Absolute being	وجود مطلق (۱۲۷)	Absolutely	مطلقاً (۳۳۲)
Absolute construction	ساختار جدامان (۱۲۷)	Absolutely refractory period	دورهٔ ترمرد مطلق (۱۴)
Absolute criteria	ملاک‌های مطلق (۸۹)	Absolutely unbiased estimator	برآوردکنندهٔ مطلق آن ارباب (۳۲۲)
Absolute deviation	انحراف مطلق (۳۳۲)	Absoluteness	مطلقیت بی‌چون‌وچرای (۱۲۷)
Absolute ego	من مطلق (۱۲۷)	Absolution	بخشایش، آمرزش (۱۲۷)
Absolute essence	ذات مطلق (۱۲۷)	Absolutism	مطلق‌گرایی (۷۸)، (۱۲۶)، (۱۵۸)؛ مطلق‌باوری، مطلق‌انگاری، استبداد، استبدادباوری، استبدادخواهی (۱۲۷)، مطلق‌باور، استبدادباور، استبدادخواه (۱۲۷)
Absolute existence	هستی مطلق (۱۲۷)	Absolutistic	مطلق‌گرایی (۶۴)؛ مطلق‌نگر (۱۸۱)؛ مطلق‌گرایانه (۴۲۵)
Absolute frequency estimation task	تکلیف‌بازشناسی چهارگزینه‌ای (۳۹۴)	Absolutistic personalism	شخص‌انگاری ذات مطلق (۱۲۷)
Absolute good	خیر محض، نیکی مطلق (۱۲۷)	Absolutistic thinking	تفکر مطلق‌گرایانه (۴۶۶)
Absolute idea	ایدهٔ مطلق (۱۲۷)	Absolutory	مایهٔ آمرزش، مایهٔ بخشایش، آمرزنده (۱۲۷)
Absolute idealism	ایدئولوژی (ایدئالیسم) مطلق (۱۲۷)	Absolve	بخشیدن (۴۰۲)
Absolute level	سطح مطلق (۸۱)	Absolvent	مایهٔ بخشایش، مایهٔ آمرزش، بخشاینده، آمرزگار (۱۲۷)
Absolute measure	اندازهٔ مطلق (۳۲۲)	Absolver	آمرزگار، بخشاینده، گناه‌بخشا (۱۲۷)
Absolute mind	ذهن مطلق (۱۲۷)؛ عقل مطلق (۳۹۰)	Absorption	جذابت (۳۸۲)؛ اندرکشیدگی، جذب‌شدگی، جذب، استغراق، جذب درکشنده، جذب‌کننده (۱۲۷)؛ مجذوب‌شدن (۱۸۰)، (۱۸۲)؛ جذب‌شدن (۴۰۲)
Absolute moments	گشتاور مطلق (۳۲۲)	Absorption curve	منحنی جذب (۲۴)، (۲۵۲)
Absolute monarchy	پادشاهی خودکامه، سلطنت مطلق (۱۲۷)	Absorptive	درکشنده، جذب‌کننده (۱۲۷)
Absolute nothing	هیچ مطلق، عدم مطلق (۱۲۷)	Absorptive capacity	درکشندگی، گنجایش جذب (۱۲۷)
Absolute perfection	کامل‌بودن مطلق (۴۲۵)	Absorptive phase	مرحلهٔ جذبی (۱۰۱)
Absolute possibility	امکان محض (۱۲۷)	Absorptiveness	درکشندگی، جذب‌کنندگی (۱۲۷)
Absolute primary narcissism	نارسیسیسم ابتدایی مطلق (۲۶۰)	Abstainer	خویش‌تن‌دار، پرهیزگار، باده‌پرهیز (۱۲۷)
Absolute realism	کلیت‌باوری مطلق (۱۲۷)	Abstemious	کم‌خوراک، پرهیزگار (۱۲۷)
Absolute refractory period	دورهٔ مقاومت مطلق (۸۴)؛ دورهٔ بی‌پاسخی مطلق (۱۴۳)؛ مرحلهٔ تحریک‌ناپذیری مطلق (۱۸۸)؛ دورهٔ مقاومت مطلق (۱۳۴)؛ دورهٔ سرکشی مطلق (۲۵۲)	Abstention	پرهیز-خودداری (۷۸)؛ رأی‌ممتنع، پرهیز، پرهیزگاری (۱۲۷)
Absolute risk reduction	کاهش مطلق خطر (۳۶۲)	Abstentionism	رأی‌ممتنع‌دادن، پرهیزگاری، باده‌پرهیزی (۱۲۷)
Absolute sensitivity	حساسیت مطلق (۱۱۰)	Abstentious	خویش‌تن‌دار، پرهیزگار، باده‌پرهیز (۱۲۷)
Absolute size	قدر مطلق (۶۴)	Abstinence	پرهیز (۹۵)، (۱۸۱)؛ خویش‌تن‌داری، پرهیزگاری، باده‌پرهیزی (۱۲۷)؛ میانه‌روی در خوراک (۲۳۷)؛ ترک (۳۰۹)
Absolute standard	معیار مطلق (۲۶۲)	Abstinence based	پرهیز‌مبنا (۳۵۳)
Absolute theory	نظریهٔ مطلق (۴۶)، (۳۱۶)	Abstinence oriented	برنامهٔ خویش‌تن‌داری‌گرایانه (۳۰۹)؛ پرهیز‌گرا (۳۵۳)
Absolute threshold	آستانهٔ مطلق (۱۶)، (۳۰)، (۵۴)	Abstinence syndrome	نشان‌گان قطع دارو (۱۸۹)
Absolute truth	حقیقت مطلق (۱۲۷)		
Absolute unitary being	یگانهٔ مطلق (۳۹۸)		
Absolute universals	جهان‌رواهای مطلق (۱۲۷)		
Absolute unselfishness	ایثار محض (۳۱۲)		
Absolute value	قدر مطلق (۱۵۰)، (۲۹۶)، (۳۰۳)		

- Abstinence violation عدول از شدت عمل (۳۰۹)
- Abstinence violation effect اثر شکست پرهیز (۳۸۰): اثر تخطی خویشنداری (۳۱۷)
- Abstinent خویشندار، پرهیزگار، باده‌پرهیز (۱۲۷)
- Abstract مواضع معنی (۳): انتزاعی (۱۶)، (۲۲)، (۶۲)، (۲۶۰): آهیخته-تجربیدی (۱۸): منتزع (۹۳)، (۱۶۷)، (۲۰۹): تجربیدی، آبستره، فشرده (۱۲۷): مجرد (۱۵۰)، (۲۵۲)، (۳۷۵): بسیار خلاصه (۲۳۷): برآهنجیده (۱۲۷)، (۲۵۲): نظری (۲۵۲): انتزاعی منتزع (۲۵۴): چکیده (۱۲۷)، (۳۲۹)، (۳۲۶): آهیخته (۳۶۱)
- Abstract ability توان انتزاعی (۲۵۲)
- Abstract attitude ایستار انتزاعی (۲۲۵)
- Abstract bulletin چکیده‌نامه (۱۲۷)
- Abstract concept مفهوم انتزاعی (۲۶۲): مفهوم‌های ذهنی (۲۵۲): مفاهیم انتزاعی (۱۹۶)
- Abstract designs طرح‌های انتزاعی (۳۹۴)
- Abstract epistemologies شناخت‌شناسی‌های انتزاعی (۳۹۱)
- Abstract ideals آرمان‌های انتزاعی (۶۴)
- Abstract imaging تصویرسازی ذهنی انتزاعی (۱۸۱)
- Abstract intelligence هوش انتزاعی (۳۲)، (۱۲۹)، (۱۵۰)
- Abstract journal چکیده‌نامه (۱۲۷)
- Abstract knowledge دانش انتزاعی (۶۴)
- Abstract logic منطق انتزاعی (۶۴)
- Abstract modeling مدل‌سازی انتزاعی (۸۱): الگوبرداری انتزاعی (۳۱۶)
- Abstract random انتزاعی-تصادفی (۴۲۸)
- Abstract reasoning استدلال انتزاعی (۸۸)، (۱۶۸)، (۲۵۲): دیداری (۸۸): بصری (۳۸۵)
- Abstract religious thinking تفکر مذهبی انتزاعی (۱۷۲)
- Abstract sequential انتزاعی-متوالی (۴۲۸)
- Abstract sets آمایه‌های انتزاعی (۲۳۵)
- Abstract thinking تفکر انتزاعی (۱)، (۳۲)، (۱۰۶): مجرداندیشی (۱۲۷): فکر کردن انتزاعی (۴۲۸)
- Abstract thought اندیشه تجربیدی (۱۲۷): تفکر انتزاعی (۲۰۴): فکری صوری (۳۳۷): افکار تجربیدی (۲۵۲)
- Abstract truth حقیقت انتزاعی (۴۰۷)
- Abstract visual reasoning استدلال انتزاعی-بصری (۱۱۷)
- Abstracted تجربیدی، انتزاعی، برآهنجیده (۱۲۷)
- Abstracted empiricism تجربه‌گرایی محض (۱۹۳)
- Abstraction انتزاع (۲۴)، (۴۷)، (۵۶): تجرید-انتزاع (۲۸): انتزاعی (۴۷)، (۲۷۱)، (۲۷۲): تجریدی (۷)، (۴۷)، (۱۲۷): انتزاع آهنجش، آبستره‌گری، آهنجش‌گر (۱۲۷): تجرید و انتزاع، فرایندی که به کمک آن افکار و اندیشه‌ها تعمیم پیدا می‌کنند و از اشیا یا موارد خاص جدا می‌گردند (۱۶۸): تجرد (۲۵۲): جداسازی (۲۵۰)
- Abstraction ability استعداد انتزاعی (۱۱۴)
- Abstraction gradient شیب انتزاع (۱۲۶)
- Abstraction induite انتزاع قیاسی (۸۶)
- Abstraction ladder مقیاس تجرید (۱۱)
- Abstraction level سطح انتزاعی (۲۸۵)
- Abstraction reflechissante انتزاع انعکاسی (۲۸۴)
- Abstractionism آبستره‌گری، تجدیدگری، آهنجش‌گری (۱۲۷): تجریدگرایی (۲۵۰)
- Abstractionist آبستره‌گر، تجدیدگر، آهنجش‌گر (۱۲۷)
- Abstractions انتزاع‌ها (۴۴۱)
- Abstractive تجریدی (۱۱۱)، (۱۱۳)، (۱۲۷): تجرید، آهنجنده، برآهنجیده (۱۲۷)
- Abstractness انتزاع (۶): آبسترگی، مجردیت، برآهنجیدگی (۱۲۷)
- Abstractor چکیده‌نویس (۱۲۷)
- Abstractum برآهنجیده‌وار (۱۲۷)
- Abstruse دشوار فهم، پیچیده (۱۲۷)
- Absurd یاهو (۱۲۷)، (۳۶۱): محال، بی‌معنا، بی‌منطق، پوچ (۱۲۷): مهمل (۱۲۷)، (۲۱۸): نامعقول (۴۵۶)
- Absurd treatment درمان بی‌معنی (۲۸۵)
- Absurdism پوچ‌انگاری (۱۲۷)
- Absurdities ادراک امور نامعقول (۱۱۷)
- Absurdities test آزمون مهمل‌یابی (۲۱۲)
- Absurdity یاوگی (۱۲۷)، (۳۶۱): بی‌معنایی، بی‌منطقی (۱۲۷): پوچی (۱۲۷)، (۱۸۱)
- Absurdity test مهمل‌یابی (۸۸): آزمون نامعقولی (۱۲۹)
- Abulia آبولیا (۳۸): بی‌ارادگی (۴۶)، (۱۱۱)، (۱۱۳): نارسایی یادگیری حساب، عدم توانایی در محاسبه و شمارش (۲۵۲)
- Abuse بدکنشی (۱۲۷): آزاردیدگی (۱۹۶): سوءاستعمال (۲۰۳)، (۲۹۴): بدرفتاری (۲۰۳)، (۴۱۴): سوءمصرف (۲۳۶)، (۲۸۱): سوءاستفاده (۲۷۰)، (۲۸۱): سوءمصرف مواد (۳۰۹): آزار (۴۳۵)

Abuse assessment	سنجش سوءرفتار (۱۱۷)	Academy	آکادمی، فرهنگستان (۱۲۷)
Abuse spouse	همسرآزاری (۳۳۱)	Acalculia	نمادهای ریاضی (۵۲)؛ محاسبه‌پریشی (۱۲۹)؛ ناتوانی در محاسبه (۱۶۹)؛ ناتوانی در حساب (۳۴۷)
Abused child	کودک مورد بدرفتاری قرار گرفته (۳۳۱)؛ کودک خشونت‌دیده (۱۲۷)	Acarophobia	ترس مرضی از حشرات (۲۵۲)
Abuser	سوءاستفاده‌کننده (۲۸۵)	Acausal	بی‌علت (۱۲۷)
Abusical violence	خشونت آزارگرانه (۴۲۱)	Acausality	غیرعلیت (۶۱)
Abusive	بدرفتار (۷۱)، (۱۲۷)؛ بدکنش، خشونت‌گر (۱۲۷)؛ بهره‌کش (۳۹۲)؛ بددهن (۴۱۴)	Accelerate	شتاب مثبت (۲۲۶)
Abusive behavior	رفتار خشونت‌گرانه، بدکنشی (۱۲۷)	Accelerated	شتابان (۱۲۷)؛ پیش‌افتاده (۱۵۰)؛ تسریع‌شده (۱۳۹)
Abusive parents	والدین آزارگر (۳۸۴)	Accelerated change	تغییر شتابنده (۳۰۸)، (۳۷۳)
Abusive relationship	رابطه بدرفتار (۴۶۱)	Accelerating	شتاب‌افزا (۱۲۷)؛ شتاب‌دهنده (۴۱۱)
Abysmal	مغاک‌وار، مغاک‌ی، بی‌تک (۱۲۷)	Accelerating devices	دستگاه‌های شتاب‌دهنده (۶۸)
Abys	هاویه ازل، مغال، ژرفای بی‌کران (۱۲۷)	Acceleration	شتاب (۲۸)، (۱۰۴)، (۱۲۷)؛ جهش تحصیلی (۱۰۴)، (۲۵۲)؛ شتاب‌افزایی، شتاب‌گیری (۱۲۷)؛ تسریع (۱۹۷)، (۳۳۵)، (۲۴۰)؛ پیش‌افتادگی (۲۱۲)؛ شتاب‌بخشی (۲۰۶)؛ روش تسریع (۹۴)
Abyssal	نایم‌مردنی، نارسیدنی، ژرفنایی (۱۲۷)	Acceleration deceleration	شتاب مثبت-شتاب منفی (۲۲۶)
Academe	عالم علمی، فضای دانش‌گاهی، دانش‌گاه، استاد، دانش‌ور، زندگانی علمی (۱۲۷)	Acceleration principle	اصل شتاب (۱۲۷)
Academia	دانش‌گاهی (۳۹۸)	Accelerative	شتاب‌افزا (۱۲۷)؛ شتاب‌گیری (افزایشی) (۱۹۲)
Academic	آموزش‌گاه (۴۰)؛ روان‌شناسی نظری (۴۶)؛ آکادمیک، آموزش‌گاهی، نظری، روشن‌فکرانه (۱۲۷)؛ تحصیلی (۳۳۳)؛ دانش‌گاهی (۱۲۷)، (۴۵۲)	Accelerator	شتاب‌افزا (۱۲۷)
Academic ability	توانایی آموزش‌گاهی (۳۲۹)	Accelerator nerve	عصب شتاب‌دهنده (۱۲۷)، (۴۵۵)، (۴۴۷)
Academic achievement	پیش‌رفت تحصیلی (۱۵۴)، (۳۸۵)	Accent	تکیه (بر سیلاب یا کلمه)، کشند، در خط) طنین، آکسان، شیوه گفتار، شیوه، شگرد (۱۲۷)؛ لهجه (۳۷)، (۳۶۹)، (۴۵۲)؛ لحن (۲۷)، (۱۲۷)؛ صدا (۳۷)
Academic aptitude	استعداد تحصیلی (۳۰۵)	Accented	تکیه‌دار (۱۲۷)
Academic attainment	پیش‌رفت تحصیلی (۲۳۴)	Accenting	تأکید (۲۳۳)
Academic development	رشد تحصیلی (۳۲۹)	Accenting communication	ارتباط تأکیدی (۳۶۹)
Academic disability	ناتوانی درسی (۱۶۸)	Accentless	بی‌لهجه‌بودن (۱۹۲)
Academic freedom	آزادی دانش‌پژوهی (۱۲۷)	Accentual	تکیه‌ای، تکیه‌دار (۱۲۷)
Academic games	بازی‌های آموزشی (۲۷۶)	Accentuation	تکیه‌گذاری، آکسان‌گذاری (۱۲۷)؛ تأکید (۴۳۷)
Academic performance	توفیق تحصیلی-عمل‌کرد تحصیلی (۱۹۱)	Acceptability	قابل قبول بودن (۱۲۶)، (۲۳۷)؛ پذیرفتاری، درست‌دانی (۱۲۷)؛ پذیرندگی (۳۳۶)؛ مقبولیت (۴۰۱)، (۴۴۳)
Academic preschools	کودکستان‌های تحصیلی (۳۵۶)	Acceptable	پذیرفتنی، درست (۱۲۷)
Academic promise test	آزمون پیش‌برد تحصیلی (۱۶)، (۳۲۹)	Acceptance	پذیرش (۱۸)، (۵۸)، (۹۵)؛ قبول (۷۸)؛ پردازش متوالی (۹۵)؛ مقبولیت (۱۰۶)؛ قبول و پذیرش (۲۵۲)؛ تأیید (۱۷۹)
Academic remediation	جبران درسی (۳۸۴)	Acceptance and Commitment Therapy	درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (۴۱۷)، (۴۵۴)، (۴۵۸)؛ درمان مبتنی بر پذیرش و پایبندی (۴۶۸)
Academic self concept	مفهوم خودتحصیلی (۱۰۹)، (۲۷۶)		
Academic success	موفقیت تحصیلی (۲۳۴)		
Academician	آکادمیایی، دانش‌گاهی، فرهنگستانی، عضو فرهنگستان، آکادمیسین (۱۲۷)		

Acceptance beliefs	باورهای پذیرش (۲۳۲)	کمکی، جنبی، یدکی، هم‌دست، شریک جرم (۱۲۷)؛ فرعی (۱۷۰)
Acceptance check	بازبینی پذیرش (۲۱۸)	Accessory abducens nucleus
Acceptance line	خط پذیرش (۳۲۲)	هسته عضلات حرکتی فرعی چشم (۱۰۱)
Acceptance need	نیاز به پذیرش (۱۸۰)، (۱۸۲)	Accessory olfactory bulb
Acceptance of feeling	پذیرش احساسات (۳۷۸)	پایز بویایی فرعی (۱۰۱)
Acceptance of separation and loss	قبول جداشدن و فقدان (۲۲۸)	Accidence
Acceptance oriented impression management narcissist	خودشیفته پذیرش‌گرا و گمان‌گردان (۷۶)	صرف، اصول، مقدمات، پایه (۱۲۷)
Acceptance region	ناحیه پذیرش (قبول) (۳۲۲)	Accident
Acceptance training	آموزش پذیرش (۳۷۸)	عَرَض، پیش‌آمد، تصادف، غیرذاتی، عارضه، بخت، قضا (۱۲۷)؛ حادثه (۸۹)، (۱۲۷)، (۱۹۵)
Acceptancy	پذیرفتاری (۱۲۷)	Accident insurance
Acceptation	پذیرش (۱۲۷)	بیمه حوادث (۱۲۷)
Accepted wisdom	عقل متعارف (۳۵۳)	Accident neurosis
Accepting	پذیرا (۱۲۷)	نوروز تصادف (۳۳)
Accepting without judgment	پذیرش بدون قضاوت (۴۲۸)	Accident prone
Acceptor	پذیرنده، پذیرفتار (۱۲۷)	حادثه‌پذیر، بلاپذیری (۱۲۷)؛ بلاطلب (۲۵۲)؛ آمادگی حادثه‌پذیری (۲۲۵)
Accesible	قابل دسترس (۳۸۷)	Accident proneness
Access	دستیافت، رهبرد، گذرگاه، اجازه، حق ورود، افزایش، رشد (۱۲۷)؛ راهیابی (۳۵۳)	ساحه‌پذیری (۳۹)؛ حادثه‌پذیری، بلاپذیری (۱۲۷)؛ حادثه‌گرایی (۲۱۲)
Access guide	یافتن ما (۱۲۷)	Accident theory
Access ordering	ترتیب دسترسی (۵۶)	نظریه تصادف (۳۲۹)
Accessibility	دسترس‌پذیر بودن (۴۳۷)، (۳۸۰)؛ دسترسی‌پذیری (۸۱)، (۲۸۲)؛ قابلیت دسترسی، قابلیت وصول (۱۲۳)؛ دستیافت‌پذیری، رهبردپذیری (۱۲۷)؛ در دسترس بودن (۳۶۸)، (۳۹۱)؛ دسترسی‌داشتن (۴۳۷)	Accidental
Accessible	راه‌یافتنی، آسان‌یاب، رهبرپذیر (۱۲۷)؛ در دسترس (۳۹۲)؛ دست‌یافتنی (۱۲۷)، (۳۹۲)؛ قابل دسترس (۱۲۳)، (۳۹۵)؛ قابل حصول (۴۳۷)؛ قابل وصول (۱۲۳)	تصادفی (۶۲)، (۱۲۷)؛ اتفاقی (۱۲۵)، (۱۲۷)، (۱۸۵)؛ عرضی، غیرذاتی، فرعی، جنبی (۱۲۷)
Accessible population	جامعه در دسترس (۲۶۸)، (۲۸۷)	Accidental contingency
Accession	دستیابی، راهیابی، رسیدن (۱۲۷)	کیفیت تصادفی (۲۸)، (۲۵۲)
Accession book	دفتر راهنما، یافت‌نامه (۱۲۷)	Accidental error
Accession number	شماره ردیف (۱۲۷)	خطای تصادفی (۲۸۳)
Accession process	فرایند ورود (۳۰۸)	Accidental form
Accessorial	کمکی، یاورانه (۱۲۷)	صورت عَرَضی (۱۲۷)
Accessorial services	خدمات جنبی (۱۲۷)	Accidental homosexuality
Accessory		هم‌جنس‌گرایی تصادفی (۳۸)، (۲۵۹)
		کلیت تصادفی (۱۷۷)
		Accidental universality
		پیش‌آمدانگار (۱۲۷)
		Accidentalness
		پیش‌آمدواری، حادثه‌واری (۱۲۷)
		Accidents
		اعراض (۱۲۷)؛ حوادث (۱۵۸)
		Accidie
		سستی و رخوت معنوی (۶۵)
		Acclimation
		خوپذیری، اقلیم‌پذیری (۱۲۷)
		Acclimatization
		خوگرفتگی (۴۴۶)
		Accolade
		جایزه (۳۰۴)
		Accommodated
		هم‌ساز، سازگار (۱۲۷)
		Accommodating mechanism
		مکانیسم انطباق (۲۵۲)
		Accommodation
		برون‌سازی (۳۶)، (۴۵)، (۴۶)؛ انطباق (۲۴)، (۵۰)، (۵۶)؛ تطابق (۱۶)، (۶۰)، (۶۷)؛ هم‌سازی (۶۴)، (۱۲۷)؛ هم‌سازگردانی، سازوبرگ، کنارآمدن، سازگارشدن (۱۲۷)؛ تطابق در فیزیولوژی (۲۲۲)؛ هم‌سازی (۲۵۲)؛ سازگاری (۲۸۵)؛ برون‌سازی (۴۴۱)؛ تمکین (۳۴۹)؛ تطابقی (۳۰۱)

Accommodation ability	توان تطابق (۶۸)	Accumulated wisdom	خرد به هم‌انباشته (۶۴)
Accommodative responses	پاسخ‌های انطباقی (۲۲۵)	Accumulation	تراکم (۱۰۵): انباشت (۱۲۷)
Accompaniment		Accumulation fund	انباشت‌مایه (۱۲۷)
	هم‌راهی، هم‌دمی (۱۲۷): دست‌آورد (۶۴): دستیافت، هنر، مهارت (۱۲۷): موفقیت (۲۵۲)	Accumulator	انباشت‌گر (۱۲۷): انباره (۱۴۳)
Accomplishment inferiority	کارآیی در مقابل حقارت (۲۷۵)	Accuracy	دقت (۷۱)، (۱۲۵)، (۱۵۳): درستی (۱۴۰): دقت واقعی (۱۳۶)، (۳۲۲): صحت (۳۲۲)، (۴۳۷)
Accomplishment quotient	خارج قسمت پیش‌رفت (۸۸)	Accuracy of recall	دقت یادآوری (۲۱۸)
Accomplishments	دست‌آوردها، پیش‌رفت‌ها (۲۸۰)	Accuracy or precision	دقت یا صحت (۱۸۶)
Accomunicative	گفتار غیرارتباطی (۲۵۰)	Accurate empathy	هم‌دلی دقیق (۹۸): هم‌دلی صحیح (۳۰۴): هم‌دلی درست (۳۳۰)
Accord	هم‌سازی، توافق (۱۲۷)	Accusation	اتهام (۲۹۲)
Accordion family	خانواده تناوب غیبت (۲۴۵)، (۳۰۸)	Accusative	مفعولی، فعل‌پذیر (۱۲۷)
Accouchement	زایمان (۱۲۷)	Accusative case	حالت فعل‌پذیری (۱۲۷)
Account	شرح (۴۵۵)	Accusing	سرزنش‌گر (۳۹۱)، (۳۹۲)
Account for	توجیه کردن (۱۰۹)، (۱۵۰): تبیین کردن (۱۲۳)، (۱۵۰): تبیین (۱۲۳)، (۲۳۴): توجیه (۳۰۳)، (۳۲۴)، (۳۲۵)	Acephalous	بی‌رهبر، بی‌سرور (۱۲۷)
Accountability		Achieved	دست‌یافته (۴۱۴)
	پاسخ‌گویی (۱۷۶)، (۲۹۵)، (۳۱۳): جواب‌گویی (۱۰۴)، (۱۸۱)، (۴۲۶): پاسخ‌پذیری، شرح‌پذیری، مسئولیت (۱۲۷): مسئولیت‌پذیری (۲۷۹)، (۳۳۳)	Achieved role	نقش پابرجا (۱۲۷)
Accountability models		Achieved status	منزلت پابرجا (۱۲۷)
	الگوهای پاسخ‌گویی، الگوهای حساب‌رسی (۳۲۹)	Achievement	کام‌یابی (۴۰): دست‌آورد (۵۶)، (۱۲۷): پیش‌رفت (۵۷)، (۸۱)، (۸۳): قابلیت ارتقا (۶۸): موفقیت-پیش‌برد (۹۰): موفقیت (۶۸)، (۱۲۶)، (۲۷۵): دست‌یافت، یافت (۱۲۷): معلومات (۱۵۰): پیش‌رفته (۲۵۱): تحصیل، فعالیت (۲۵۲): بازده (۲۸۶): دست‌آوردهای شخصی (۴۱۲): توفیق (۱۰۷)
Accountability movement	نهضت پاسخ‌گویی (۳۲۹)	Achievement age	سن پیش‌رفت (۳۸۵)
Accountable	پاسخ‌گفتنی، شرح‌پذیر، بازگفتنی، مسؤؤل (۱۲۷): پاسخ‌گو (۱۲۷)، (۴۶۲)	Achievement fantasy	خیال‌بافی پیش‌رفت (۱۳۴)
Accountant	حساب‌دار (۱۲۷)	Achievement mastery	موفقیت، تسلط (۱۷۹)
Accreditation		Achievement motivation	انگیزش پیش‌رفت (۱۸۰)، (۱۸۲)، (۲۷۶): انگیزه پیش‌رفت (۸۹)، (۱۵۸): انگیزه دستیافت (۱۲۷): انگیزش موفقیت (۳۷۰)
	اعتباربخشی (۱۲۷)، (۳۲۹): ارج‌بخشی، جواز دادن، امتیاز دادن (۱۲۷): اعتبار‌گذاری (۱۸۹): اعتبارسنجی (۳۴۴)	Achievement motive	انگیزه موفقیت (۲۴)، (۲۵۲): انگیزه دستیافت (۱۲۷): انگیزه پیش‌رفت (۸۳)، (۱۳۴)، (۲۱۲)، (۲۷۶)، (۳۱۷)
Accreditation associations	انجمن‌های اعتباربخشی (۳۲۹)	Achievement motive theory	نظریه انگیزه پیش‌رفت (۲۷۳)
Accreditation bodies	هیئت‌های اعتباربخشی (۳۲۹)	Achievement oriented	پیش‌رفت‌گرا (۸۹): پیش‌رفت‌مدار (۸۱)
Accreditation visits	بازدیدهای اعتباربخشی (۳۲۹)		
Accredited	اعتبارنامه‌دار، امتیازدار، جوازدار (۱۲۷): معتبر (۳۲۹)	Achievement place	محل پیش‌رفت (۹۵)
Accretion	به‌هم‌پیوستگی (۲۸۲)، افزایش یادگیری (۳۱۶)	Achievement quotient	یافت‌بهر (۱۲۷)
Acculturated	فرهنگ‌آموخته، فرهنگ‌یافته (۱۲۷)	Achievement self assertion or mastery motive	انگیزه پیش‌رفت، خودنمایی یا تصاحب (۱۳۴)
Acculturating	فرهنگ‌آموز، فرهنگ‌بخش (۱۲۷)		
Acculturation			
	فرهنگ‌پذیری (۱۰۰)، (۱۱)، (۱۲۷): فرهنگ‌بخشی، فرهنگ‌آموزی، فرهنگ‌یابی (۱۲۷): فرهنگ‌گیری (۲۵۲)		
Acculturation Ancestry	فرهنگ‌سازی اصل و نسب (۴۰۱)		
Accumulated	انباشته (۱۲۳)		

Achievement sensitive families

خانواده‌های پیش‌رفت‌طلب (۳۰۸)

Achievement test

تست‌های مربوط به معلومات (۷)، (۱۵): آزمون (تست) تحصیلی (۲۴):
تست دست‌آورد (۱۲۷): آزمون پیش‌رفت (۱۲۹)، (۱۵۳)، (۲۱۲): آزمون
پیش‌رفت تحصیلی (۷۳)، (۱۲۹)، (۱۳۴)، (۱۶۸): معلومات (۱۳۴): تست
پیش‌رفت، تست پیش‌رفت تحصیلی (۱۵۰): آزمون فراگیری (۲۱۲):
آزمون تحصیلی، امتحان پیش‌رفت تحصیلی (۲۵۲): آزمون‌های
پیش‌رفت (۱۱۷)، (۲۶۸)

Achievement test batteries

مجموعه آزمون‌های پیش‌رفت تحصیلی (۲۵۲)

Achievement theory

انگیزه کسب موفقیت (۱۸۸)

Achiever

دست‌یابنده (۴۶۵)

Achieving society

جامعه درحال پیش‌رفت (۱۸۶)

Achieving stage

مرحله دست‌یابی (۳۵۷)

Achilles heel

پاشنه آشیل، آسیب‌گاه (۱۲۷): نقطه‌ضعف (۱۶۹)

Achloropsia

سبزکوری (۲۵۲)

Achondroplasia

کوتولگی، خُردبالایی (۱۲۷)

Achromacy

رنگ‌کوری کامل (۳۶۸)

Achromatic

بی‌فام-اکروماتیک (۲۴): غیررنگی (۲۸): آکروماتیک (۲۵۲)

Achromatic colors

رنگ‌های بی‌فام (۸۳)

Achromatopsia

رنگ‌کوری کامل (۱۰۱)، (۳۹۳): رنگ‌کوری (عدم ادراک رنگ) (۲۲۶)

Achromatopsie

کوررنگی کامل (۴۵۰)

Achrometer

شنوایی سنج (۲۵۲)

Acidosis

اسیدوز (۲۰۸): اسیدافزایی (۳۳۸)

Acknowledge

تصدیق (۴۶۳): اعتراف (۳۲۸): قابل شناخت (۳۳۱): قربانیان معترف
(۴۲۱)

Acknowledgement

تصدیق، باورداشت، سپاس‌داری (۱۲۷): قدردانی (۹۸)

Acknowledging

پذیرا بودن (۱۱۰)، (۱۱۲)

Acme psychology

روان‌شناسی اوج (۲۵۰)

Acmeist

اوج‌گرا (۲۵۰)

Acosmism

نیست‌انگاری کیهان، انکار وجود ماسوی‌الله (۱۲۷)

Acoustic

فیزیکی (۳۷): شنودی (۱۲۷)، (۳۶۱): صوتی (۱۲۷)، (۲۷۶)، (۳۶۸):
صورت‌های ذهنی سمعی (۱۳۵): شنیداری (۱۹۶)، (۲۷۶)

Acoustic amnesic

صوتی-یادزدایشی-یاداری (۲۲۶)

Acoustic analyser

جداگر صوتی (تحلیل‌گر صوتی) (۸۰)

Acoustic apparatus

دستگاه صوتی (۸۰)

Acoustic code

رمز صوتی (۳۶۸)

Acoustic cues

نشانه‌های صوتی (۱۲۹)

Acoustic image

تصویر شنودی (۳۶۱)

Acoustic phonetics

آواشناسی فیزیکی (۳۷): آواشناسی صوتی (۱۲۷)

Acoustic physical levels

سطوح فیزیکی صوتی (۳۶۸)

Acoustic quick motion

حرکت تند آکوستیک (۵۲)

Acoustic reflex

انعکاس صوتی (۱۴)

Acoustic similarity effect

اثر تشابه صوتی (۱۲۹)

Acoustic speech signals

علائم صوتی گفتار (۱۲۹)

Acoustical resonance

تشدید صوتی (۱۴)

Acoustico agnostic

زبان‌پریشی صوتی-شناختی (۲۲۶)

Acoustics

صوت‌شناسی (۵۴)، (۱۲۷): صور شنیداری (۶۸): اصوات (۱۱۲): علم
اصوات (شنیداری) (۳۶۷)

Acquaintance

قانون‌آشنایی (۴۶): آشنایی، آشنایی رو در رو (۱۲۷)

Acquaintance rape

تجاوز جنسی توسط آشنایان (۴۲۱)

Acquiescence

تسلیم و رضا (۱۲۷): پذیرش (۲۱۷): تصدیق (۳۳۸)، (۳۶۲)

Acquiescence bias

سوگیری تأیید (۲۸۳): سوگیر توافق (۲۸۷)

Acquiescence response

تمایل به تصدیق (۲۵۲)

Acquiescent mind

ذهن فرمان‌بردار (۲۳۶)

Acquiescent response set

آمایه تصدیق (۳۳۸)

Acquire

کسب کردن، فراگرفتن (۳۷)

Acquired

مکتسب (۲۴)، (۲۰۹)، (۲۲۲): اکتسابی (۳۷)، (۲۰۹)، (۲۲۲): فراگرفته
(۳۷): کسبی، یافتنی، آموخته (۱۲۷): اکتسابی‌بودن نگرش‌ها (۳۹۵)

Acquired aphasia

آفازی اکتسابی (۱۹۷): زبان‌پریشی (آفازی) اکتسابی (۲۰۶): ناگویی

اکتسابی (۲۷۱)، (۲۷۲): زبان‌پریشی اکتسابی (۲۲۴)

Acquired behavior

رفتار آموخته (۱۲۷)

Acquired character

مَنش آموخته (۱۲۷): شخصیت اکتسابی (۱۴۶)

Acquired characteristic

مَنش آموخته (۱۲۷)

Acquired drive

سائق اکتسابی (۴۶): نفس عمل (۲۲۶): راندگی‌آموخته (۱۲۷)

Acquired dyslexia	سنگ‌سر (۱۲۷)
Acquired epilepsy	بیماری درشت‌استخوانی (۳۶)، (۲۵۲)؛ بیماری غول‌آسایی (۲۵۲)
Acquired immune deficiency syndrome	سرواژه (۱۲۷)، (۲۲۶)، (۳۷۳)
Acquired incentive value	سرواژه‌های (۱۲۷)
Acquired pattern	ترس از ارتفاع (۸)؛ ترس از بلندی (۱۱۴)، (۳۲۰)، (۴۲۵)؛ بلنداهراسی (۱۲۷)؛ بلندی‌هراسی (۱۸۰)، (۱۸۲)، (۲۵۲)؛ فوبی ارتفاع (۱۹۴)، (۳۸۱)؛ ترس از محل‌های مرتفع (۲۵۲)؛ آکروفوبیا (۲۹۹)
Acquired punishers	بلنداهراس (۱۲۷)
Acquired reflex	آبرشهر (۱۲۷)
Acquired rewards	میان‌فرهنگی (۳۰۰)
Acquired traits	نظریه‌الگوی رشته‌ای سراسری بویایی (۸۴)
Acquisition	نظریه‌الگوی رشته‌ای سراسری چشایی (۸۴)
Acquisition deficit	همه‌موردی (همیشگی) (۱۲۳)
Acquisition motive	آزمون‌های افقی (۱۰۵)
Acquisition of procedures	توشیحات (۳۶۸)
Acquisitions mentales	Act
Acquisitive	کردار (۱۸)؛ عمل (۲۹)، (۸۰)، (۱۲۳)؛ کنش (۸۲)، (۳۶۷)؛ عمل کردن، اقدام کردن، اقدام (۱۲۳)؛ فعل (۱۲۷)، (۳۶۷)؛ کنش، کرده، کار، کرد، قانون، حکم، منشور، (در تئاتر و اپرا) پرده (۱۲۷)
Acquisitive attitude	ACT (adaptive control of thought)
Acquisitive instinct	بازبینی انطباقی فکر، نظام بازبینی انطباقی فکر (۱۲۹)
Acquisitive self monitoring	خودمختارانه (۴۱۴)
Acquisitive stage	علاقه‌مندانه عمل کردن (۴۶۳)
Acquisitive want	کار خدا، کار قضا (۱۲۷)
Acquisitiveness	Act of god
Acrasia	Act of imagination
Acrimonious	پندارپردازی (۳۹۱)؛ عمل پندارپردازی (۳۹۲)
Acrolect	شناخت‌ورزی، کنش‌شناخت (۱۲۷)
	Act of knowledge
	Act of reflection
	Act of thought
	Act on
	Act out
	Act psychology
	روان‌شناسی عمل (۵۴)، (۱۱۰)، (۱۲۹)؛ روان‌شناسی کنش‌باور (۱۲۷)؛ روان‌شناسی کنش‌گرایی (عمل‌گرایی) (۳۶۷)
	Act school
	Actant
	مکتب عمل (۱۱۰)
	اسم فعل، نقش‌ورز (۱۲۷)
	مکتب عمل (۱۱۰)
	سخت‌ارادگی (۱۲۷)
	رفتارهای تند و زنده (۴۱۴)
	سرگوش (۱۲۷)
	میل به تملک (۱۱)؛ فزون‌خواهی (۱۲۷)؛ زیاده‌طلبی (۱۸۱)؛ آموختن (۲۶۰)؛ تملک‌گرایی (۱۶۱)
	غریزه‌تملک، انگیزه‌اندوختن (۲۵۲)
	خودپایی اکتسابی (۲۳۴)
	مرحله‌فراگیری (۳۵۷)
	نیاز تمک (۱۳)؛ نیاز فزون‌خواهی (۱۲۷)
	میل به تملک (۱۱)؛ فزون‌خواهی (۱۲۷)؛ زیاده‌طلبی (۱۸۱)؛ آموختن (۲۶۰)؛ تملک‌گرایی (۱۶۱)
	سخت‌ارادگی (۱۲۷)
	رفتارهای تند و زنده (۴۱۴)
	سرگوش (۱۲۷)

ACTH

هورمون فعال‌کننده بخش قشری فوق‌کلیه، هورمونی که از غده هیپوفیز خلفی ترشح می‌شود و کرتکس آدرنال را تحریک می‌کند (۱۴)

Acting

کنش‌گر، کفیل، سرپرست، بازی‌گری (۱۲۷)؛ اقدام (جدیت) (۱۸۱)، (۲۰۰)؛ عمل کردن (۳۹۰)؛ عمل‌گرا (۴۵۶)؛ عمل (۴۱۳)

اجرای "گویی که" (۳۰۸)

توانایی عمل (۲۳۴)

نمایش خون‌سردی (۱۷۰)

آزادانه عمل کردن (۳۴۸)

کفیل، سرپرست (۱۲۷)

Acting out

کنش‌نمایی (۷۶)، (۴۰۵)، (۴۱۴)؛ بروز دادن (۱۶۹)؛ برون‌ریزی (۱۸۱)، (۲۰۳)، (۲۲۷)، (۳۲۸)؛ تخلیه هیجانی از راه فعالیت بدنی، رفتار و کردار (۲۵۲)؛ گذار به عمل (۲۷۱)، (۲۷۲)، (۳۳۵)؛ به‌عمل درآوردن (۲۵۲)، (۳۳۵)؛ نمایش (۳۶۷)؛ کنش‌گرایی (۴۰۶)؛ برون‌ریزی رفتاری (۴۲۶)؛

کنش‌ورزی (۳۵۱)؛ به‌صورت رفتار (پرخاش‌گرانه) نشان دادن (۱۶۸)؛

برون‌ریزی عملی (۲۳۳)؛ برون‌ریزانه (۴۴۰)؛ تخلیه هیجانی از راه

فعالیت بدنی (۳۵)

فعالیت بدنی (۳۵)

فعالیت بدنی (۳۵)

فعالیت بدنی (۳۵)

Acting out behavior

رفتارهای برون‌ریزی (۴۰۶)؛ رفتارهای مبتنی بر برون‌ریزی (۱۸۱)

رفتارهای برون‌ریزی (۴۰۶)؛ رفتارهای مبتنی بر برون‌ریزی (۱۸۱)

خودکنش‌گر (۱۲۷)

عمل همراه با آگاهی (۴۲۸)

عمل (۷۴)، (۱۲۱)، (۱۲۳)؛ اقدام (۱۲۳)، (۱۶۶)، (۱۹۸)؛ کردار (۹)، (۱۴)، (۱۲۷)؛ کنش (۱۸)، (۸۰)، (۸۱)؛ مرحله اقدام (۲۲۶)؛ فعل (۲۵۲)؛

عمل کردن (۳۰۰)؛ پر زدوخورد (۴۲۱)

عمل کردن (۳۰۰)؛ پر زدوخورد (۴۲۱)

انسان‌شناسی کرداری (۱۲۷)

عمل منبع تفکر (۶۴)

وابسته به عمل (۲۳۵)

عمل منبع تفکر (۶۴)

اعمال کلی، فعالیت عمومی، کنش توده‌ای (۱۱۱)، (۱۱۳)

مقابله عملی (۳۰۹)

مقابله عملی (۳۰۹)

جریان عصبی (۲۴)، (۲۵۲)؛ جریان‌ات عمل (۱۳۵)

کاهش کنش (۲۲۱)

عنصر عمل (۳۹۵)

متمرکز بر عمل (۳۸۰)

عملی در گذشته (۴۶)

اطلاعات کنشی (۳۹۲)

دست‌به‌کار شدن (۲۸۰)

دانش عمل (۶۴)

یادگیری عملی (۳۰۸)

حافظه عملی (۲۸۲)

کنش‌گرا (۸۲۴)؛ عمل‌محور (۳۰۴)، (۳۷۸)؛ عمل‌مدار (۴۱۹)؛ عمل‌گرا (۴۶۶)؛ کنش‌مدار (۴۶۶)؛ قلمچماق و قلدر (۴۱۴)؛ عمل‌مداری (۴۱۴)

برون‌ریزی (۴۳۸)

الگوی عمل کرد (۲۲۰)

طرح عمل (۱۵۹)؛ برنامه عمل (۱۷۶)، (۳۷۱)؛ طرح اقدام (۱۹۸)، (۲۸۰)

طرح عمل (۱۵۹)؛ برنامه عمل (۱۷۶)، (۳۷۱)؛ طرح اقدام (۱۹۸)، (۲۸۰)

طرح عمل (۱۵۹)؛ برنامه عمل (۱۷۶)، (۳۷۱)؛ طرح اقدام (۱۹۸)، (۲۸۰)

طرح عمل (۱۵۹)؛ برنامه عمل (۱۷۶)، (۳۷۱)؛ طرح اقدام (۱۹۸)، (۲۸۰)

پتانسیل عمل (۸۳)، (۱۰۱)، (۱۲۹)؛ پتانسیل فعالیت (۸۴)، (۳۱۶)؛

ظرفیت عمل (۱۲۹)؛ توانش عمل (۴۴۱)؛ توان کنش (عمل) (۴۴۴)؛

توان عمل (۴۴۷)

موضعی بودن (۱۱۲)

امعمال اختصاصی (۱۱۱)؛ کنش متناسب (۱۱۱)، (۱۱۳)

عمل و عکس‌العمل (۳۴۸)؛ کنش و واکنش (۳۹۲)

عمل و عکس‌العمل (۳۴۸)؛ کنش و واکنش (۳۹۲)

عمل و عکس‌العمل (۳۴۸)؛ کنش و واکنش (۳۹۲)

عمل و عکس‌العمل (۳۴۸)؛ کنش و واکنش (۳۹۲)

پژوهش عمل‌گرا (۸۹)؛ تحقیق عملی (۱۴۰)، (۱۵۷)؛ (۳۳۹)؛ اقدام پژوهشی (۱۵۳)؛ اقدام‌پژوهی (۱۲۴)، (۲۰۰)، (۲۹۶)؛ پژوهش ضمن عمل (۳۲۶)؛ پژوهش برای عمل (۳۲۶)؛ اقدام‌پژوهی یا پژوهش ضمن عمل (۳۹۰)؛ عمل‌پژوهی (۳۹۰)؛ پژوهش عمل‌نگر (۱۲۴)

کار سهوی، خطای سهوی (۱۲۹)، (۲۱۶)

کار سهوی، خطای سهوی (۱۲۹)، (۲۱۶)

کار سهوی، خطای سهوی (۱۲۹)، (۲۱۶)

کار سهوی، خطای سهوی (۱۲۹)، (۲۱۶)

کار سهوی، خطای سهوی (۱۲۹)، (۲۱۶)

تعمیرات کنشی (۳۹۲)؛ گرایش‌های عمل (۴۳۵)

تعمیرات کنشی (۳۹۲)؛ گرایش‌های عمل (۴۳۵)

تعمیرات کنشی (۳۹۲)؛ گرایش‌های عمل (۴۳۵)

تعمیرات کنشی (۳۹۲)؛ گرایش‌های عمل (۴۳۵)

تعمیرات کنشی (۳۹۲)؛ گرایش‌های عمل (۴۳۵)

تعمیرات کنشی (۳۹۲)؛ گرایش‌های عمل (۴۳۵)

تعمیرات کنشی (۳۹۲)؛ گرایش‌های عمل (۴۳۵)

تعمیرات کنشی (۳۹۲)؛ گرایش‌های عمل (۴۳۵)

تعمیرات کنشی (۳۹۲)؛ گرایش‌های عمل (۴۳۵)

تعمیرات کنشی (۳۹۲)؛ گرایش‌های عمل (۴۳۵)

تعمیرات کنشی (۳۹۲)؛ گرایش‌های عمل (۴۳۵)

تعمیرات کنشی (۳۹۲)؛ گرایش‌های عمل (۴۳۵)

تعمیرات کنشی (۳۹۲)؛ گرایش‌های عمل (۴۳۵)

تعمیرات کنشی (۳۹۲)؛ گرایش‌های عمل (۴۳۵)

Actions tendencies	تمايلات کنشی (۳۹۱)	Active coping	مقابله فعال (۲۵۳)، (۳۸۰)
Activate	فعال کردن، فعال سازی (۳۸۷)	Active crisis	بحران فعال (۳۰۸)
Activating	کوشاگر، جنباننده (۱۲۷): فعال ساز (۲۰۳)	Active dependent	فعال متکی (۴۱۴)
Activating event	رویداد فعال ساز (۱۸۱)، (۳۳۲)، (۲۸۱): واقعه فعال کننده (۲۲۹)، (۲۳۳): رویدادهای برانگیزنده (۲۴۸): تجربه فعال کننده‌ای (۳۰۰): رخداد فعال ساز (۳۸۰): رویدادهای فعال کننده (۲۵۳): رویداد آماده ساز (۳۶۳): حوادث فعال کننده (۱۸۷)، (۲۷۷)	Active deposit	سپرده فعال (۱۲۷)
Activating system	شبکه‌ای بالارونده (۳۴۸)	Active detached	فعال نادل بسته (۴۱۴)
Activation	فعال سازی (۱۲۹)، (۱۴۳)، (۲۳۵): فعال شدگی (۴۶)، (۲۹۷): فعالیت (۱۲۹)، (۲۷۳): تحریک (۲۳۵): فعال شدن (۲۴۰): فعالیت (۳۳۸)	Active engagement	درگیری فعالانه (۳۸۷)
Activation arousal theory	نظریه فعال شدگی برانگیزندگی (۱۵۸)	Active homosexuality	هم‌جنس‌خواهی آشکار (۲۵۲)
Activation deactivation	فعال سازی نافعال سازی (۲۶۳)	Active ideas	ایده‌های فعال (۱۱۰): انگاره‌های فعال (۱۱۱)
Activation equation	معادله فعال شدن (۲۴۰)	Active imagination	تخیل فعال (۲۵۲)، (۲۹۲): تصور فعال (۲۵۲)
Activation level	سطح فعالیت (۱۲۹)	Active independent	فعال مستقل (۴۱۴)
Activation model	مدل فعال شدگی (۱۹۶): الگوی فعال سازی (۴۴۱)	Active ingredient	عنصر فعال (۳۳۱)، (۳۴۴)
Activation state of a connectionist system	حالت فعالیت یک نظام پیوندی (۱۲۹)	Active intellect	عقل فعال (۱۲۷)، (۲۵۲)
Activation synthesis hypothesis	فرضیه فعال سازی ترکیب (۸۴)	Active intelligence	عقل فعال (۱۲۷)
Activation theory	نظریه فعال شدگی (۱۵۸)	Active knowledge	دانش کاربرداری (۱۲۷)
Activator	فعال کننده (۳۲۰)، (۴۴۷): فعال ساز (۴۶۵): فعال کننده‌ها (۴۶)	Active lifespan	عمر فعال (۳۵۷)
Active	فعال (۱۴)، (۲۹)، (۳۷): معلوم (۳۷): کوشا، جنباننده، اثربخش، کارگر، فاعل فاعل‌نما، کاربردار (۱۲۷)	Active listener	شنونده فعال (۴۲۹)
Active account	حساب فعال (۱۲۷)	Active listening	گوش دادن فعال (۱۱۶)، (۱۷۰)، (۲۲۳)
Active advocate	مدافع فعال (۳۰۰)	Active manipulation	دست کاری فعال (۳۹۴)
Active agency	عاملیت فعال (۳۰۸)	Active mastery	خویشترداری فعالانه (۲۵۲)
Active agent	عنصری فعال (۵۱): علل فعال (۱۱۰)	Active memory system	سیستم حافظه فعال (۷۰)
Active avoidance behavior	رفتار فعالانه اجتنابی (۴۲۵)	Active methods	روش‌های فعال (۱۷۲)
Active behavior	رفتار کوشا (۱۲۷)	Active monitoring	پایش فعالانه (۴۱۲)
Active choice	انتخاب فعال (۱۲۰)	Active observation	مشاهده‌گیری کوشا (۱۲۷)
Active classroom	کلاس فعال (۱۲۲)	Active paresis	فلج فعال (۲۰۸)
Active cognitive	فعال شناختی (۲۵۳)	Active passive model	الگوی فعال منفعل (۲۲۳)
Active constructive responding	پاسخ‌دهی فعال سازنده (۴۶۵)	Active passivity pattern	انفعال فعال الگو (۴۶۳)
		Active passivity versus apparent competence	انفعال فعال در مقابل کفایت ظاهری (۴۶۳)
		Active play therapy	بازی درمانی فعال (۹۹)
		Active proximity seeking	تقرب‌جویی فعال (۶۷)
		Active psychotherapy	روان‌درمانی فعال (۱۴۴)
		Active pursuit	پی‌گیری فعال (۴۱۴)
		Active response	عکس‌العمل فعال (۴): عکس‌العمل یا پاسخ فعال (۲۵۲)
		Active sleep	خواب فعال (۸۴)
		Active spirit	روح کوشا (۱۲۷)
		Active status	پایگاه بارز (۸۹)
		Active thought	تفکر فعال (۳۹۵)
		Active-ambivalent	فعال دوسوگرا (۴۱۴)
		Actively	فعالانه (۴۳۶)

Activeness	کوشایی، کوشندگی، جنبندگی (۱۲۷)	جنب‌داری بازی‌گر تماشاچی (۲۱۶)
Activism	کنش‌باوری، کوشندگی (۱۲۷)	عامل-جفت (۱۶۴)
Activist	کنش‌باور، کوشنده (۱۲۷)؛ هوادار فلسفه عقل (۴۳۷)	اعمال (۳۳۱)، (۳۳۸)
Activistic	کنش‌باورانه (۱۲۷)	Actual
Activities	فعالیت‌ها (۹۸)، (۴۳۵)، (۴۶۳)	بالفعل (۸۰)، (۱۲۷)؛ فعلی (۸۰)، (۱۱۰)، (۱۲۷)؛ کنونی، باشا (۱۲۷)
Activity	فعالیت (۷)، (۱۴)، (۱۰۸)؛ کوشش، کنش، کنش‌گری (۱۲۷)؛ کارآوری (۲۵۲)؛ عمل (۴۱۳)؛ فعالین (۴۳۰)	Actual being
Activity analysis	تجزیه‌وتحلیل فعالیت (۸۹)	وجود بالفعل، باشنده (۱۲۷)
Activity cage	آزمایش فعالیت (۱۱)؛ قفس آزمایش فعالیت (۲۴)، (۲۵۲)؛ قفس، کنش‌آزمایی (۱۲۷)	انرژی حقیقی (۴۵۲)
Activity catharsis	پالایش عملی (۳۰۸)	Actual energy
Activity chart	جدول فعالیت (۴۱۲)	Actual entity
Activity cognitive	فعالیت شناختی (۸۶)	موجود بالفعل، باشنده (۱۲۷)
Activity curriculum	برنامه درسی فعالیت (۲۵۲)	Actual environment
Activity cycle	دوره فعالیت (۲۴)، (۲۵۲)؛ دوره کاروکوشش (۱۲۷)؛ چرخش فعالیت (۴۱۷)	محیط واقعی (۳۱۶)
Activity dependent	فعالیت وابسته (۴۱۱)؛ وابسته به فعالیت (۴۶۱)	Actual neurosis
Activity expectant	فعالیت انتظار (۴۶۱)	نوروز کنونی، نوروز واقعی و فعلی (۱۸۳)، (۲۵۲)
Activity group	گروه فعالیت (۱۰۲)	Actual ought discrepancy
Activity group therapy	فعالیت‌درمانی گروهی (۳۲)؛ گروه‌درمانی فعالیت (۱۰۲)	ناهم‌خوانی خودواقعی و بایدی (۴۴۲)
Activity level	سطح فعالیت (۱۶۸)، (۲۵۶)، (۲۶۵)	Actual reason
Activity monitoring	بازبینی فعالیت (۴۲۰)	عقل بالفعل (۱۲۷)
Activity programme	برنامه فعالیت (۲۵۲)	Actual referral
Activity psychology	روان‌شناسی عمل‌کردی (۱۱۱)	ارجاع واقعی (۲۲۹)
Activity scheduling	برنامه‌ریزی فعالیت (۱۵۹)، (۱۸۹)، (۳۷۱)؛ زمان‌بندی فعالیت (۲۰۵)؛ برنامه‌ریزی فعالیت‌ها (۳۶۳)، (۴۵۴)	Actual repairs
Activity schemes	طرح‌های فعالیت (۲۷۵)	تصحیح در عمل (۳۷۶)
Activity theory	نظریه فعالیت (۱۶۲)، (۳۵۷)	Actual score
Activity time	زمان فعالیت (۷۳)	نمره واقعی (۹۷)، (۱۵۰)، (۲۴۱)
Actor	بازی‌گر (۱۲۷)، (۱۴۰)؛ هنرپیشه، کنش‌گر، کننده (۱۲۷)؛ عمل‌کننده (۱۸۰)، (۱۸۲)؛ عامل (۳۵۹)	Actual self
Actor action	عامل عمل (۳۷)	خویشتن واقعی (۲۹۷)؛ خود واقعی (۳۸۷)، (۳۹۲)
Actor observer bias	سوگیری بازی‌گر، مشاهده‌گر (۳۱۸)؛ سوگیری عامل ناظر (۱۶۴)؛	Actual time
		زمان فعلی (۳۶۱)؛ زمان واقعی (۴۰۷)
		Actual value
		مقدار واقعی (ارزش ...) (۱۵۰)؛ ارزش واقعی، ارزش مشاهده‌شده (۱۵۵)
		Actualism
		فعلیت‌انگاری، باشانگاری (۱۲۷)
		Actualist
		عمل‌گرا (۳۳۸)
		Actuality
		واقعیت، باشایی، بودیافتگی، اکتونیت (۱۲۷)؛ فعلیت (۲۰)، (۱۲۷)، (۲۵۰)
		Actuality therapy
		درمان واقعیت‌جاری (۳۰۸)
		Actualization
		شکوفایی (۴۱)، (۶۲)، (۱۶۹)؛ خویشتن‌سازی (۷۸)؛ فعلیت‌بخشیدن، بودبخشیدن، واقعیت‌پذیری، بودپذیری (۱۲۷)؛ به واقعیت‌درآوردن، تحقق‌بخشیدن (۱۵۰)؛ واقعیت‌بخشیدن (۱۲۷)، (۱۶۹)؛ گرایش به شکوفایی (۲۴۸)؛ شکوفندگی (۳۲۹)
		Actualize
		واقعیت‌بخشیدن (۳۹۸)
		Actualizer
		شکوفاکنده، تحقق‌بخشیده (۹۸)
		Actualizing
		واقعیت‌بخشیدن (۱۸۱)؛ شکوفنده (۳۲۹)؛ شکوفاشدن (۳۴۰)
		Actualizing assessment battery
		مجموعه سنجش تحقق‌بخشی (۱۸۱)
		Actualizing family transactional patterns
		اجرای الگوهای تعاملی خانواده (۳۰۸)

Actualizing tendency

گرایش تحقیق گرایانه (۹۸)؛ میل به تحقق (خویشتن) (۱۰۲)؛ تمایل به واقعیت‌بخشی (۱۸۱)؛ گرایش به شکوفایی (۲۱۸)؛ گرایش شکوفاشدن (۲۹۲)؛ (۳۱۴)؛ میل به شکوفایی (۳۰۸)؛ شکوفاشدن (۳۱۵)؛ گرایش به خودشکوفایی (۴۴۱)

Actuarial

آمارى (۱۵۰)، (۲۶۹)؛ واقعیتی (۱۶۹)؛ احصایی (۳۲۹)

پیش‌بینی آماری (۶۹)

بررسی‌های محاسباتی (۲۶۹)

آمارگیر (۱۵۰)

فعل ناب، فعلیت ناب (۱۲۷)

Acuity

تیزحسی، حساسیت (۲۴)؛ حساسیت (۶۸)، (۲۵۲)؛ تیزبینایی (۱۰۱)؛

تیزحسی (۱۲۷)، (۲۵۲)؛ تیزی (۱۲۷)، (۲۵۲)؛ تیزبینی (۱۸۸)، (۲۵۲)؛

وضوح دید (۱۹۶)؛ دقت (۲۱۶)

تیزبینی، تیزفهمی، زیرکی (۱۲۷)

طب سوزنی (۱۷۰)، (۱۷۸)، (۱۹۶)، (۲۲۳)

طب سوزنی (۲۹۹)

Acute

حاد (۱)، (۱۶)، (۶۲)؛ تیز، تند، سخت، شدید، زیرک، تیزبین (۱۲۷)

اضطراب حاد (۴۱۴)

واکنش اضطرابی حاد (۴۱۴)

چرخه اضطراب حاد (۲۲۹)

حالات اضطراب حاد (۵۲)

سندرم حاد مغزی (۲۵۹)

حالت کنفریونی حاد (۱۷۰)

Acute confusional state (see delirium)

تیرگی حاد شعور (۷۲)

مجرم زبردست (۲۵۲)

افسردگی حاد (۳۸)، (۲۵۹)

درماندگی حاد (۲۰۱)

ترس حاد (۱۶۹)

ترس حاد از ایدز (۱۶۶)

واکنش‌های حاد سوگ (۱۴۴)

بیماران بستری حاد (۲۶۹)

مانیای حاد (۲۵۹)

ضایعه گسترده حاد (۱۹۰)

مالیخولیای حاد، جنون افسردگی حاد (۲۵۲)

نفریت حاد (التهاب حاد کلیه) (۱۸۱)

نوروز حاد-روان‌رنجوری حاد (۸۰)

سندرم مغزی حاد (۱۱۴)

التهاب حاد گوش میانی (۲۵۲)

درد حاد (۲۲۳)، (۲۳۹)، (۲۸۸)

وحشت‌زدگی حاد (۱۶۹)

اختلال حاد پارانوئید (۲۵۹)

روان‌پریشی حاد (۱۹۰)

بازگشت بحرانی (۹۹)

مقابل ترمیم (۳۸)

Acute situational reaction

واکنش عاطفی و هیجانی حاد (۲۵۲)

Acute stress استرس حاد (۴۰۴)

Acute stress disorder

اختلال استرس حاد (۱۷۰)، (۴۰۶)؛ اختلال فشار حاد (۲۲۵)؛ اختلال

فشار روانی حاد (۴۰۶)

Acute trauma ناهنجاری روانی (۴۰۵)

Acute undifferentiated schizophrenia

اسکیزوفرنی حاد نامشخص (۲۵۹)

Acuteness تندوتیزی، شدت، زیرکی، تیزبینی (۱۲۷)

Acuter phase مرحله حاد (۴۲۱)

Ad hoc

تعمیم‌ناپذیر-تک‌کاره (۱۲۶)؛ یک‌کاره، موردی، کارخوردی (۱۲۷)؛

تک‌موردی (۲۱۷)؛ موردی (۳۲۷)؛ دفعتی (بی‌برنامه قبلی) (۳۳۹)؛

خلق‌الساعه، کدهای موقت (۳۷۶)؛ فاقد عمومیت، برای مورد خاص

(۱۵۰)؛ ارتجالی (۳۵۳)

آزمون‌های خاص (۲۲۶)

Ad hominem

استدلال اقناعی (۱۲۶)؛ شخص‌نگر (۱۲۷)؛ حمله به شخصیت فرد (۳۷۸)

Ad hominem argument برهان شخص‌نگر (۱۲۷)

Ad infinitum تا بی‌نهایت، بی‌نهایت (۱۲۷)

Ad nauseam با تنفر (۴۰۲)

ADA (The Americans with Disabilities Act)

هورمون ضدترشح ادرار زیاد (۱۴)؛ هورمون کاهنده ادرار (۸۳)؛ قانون

امریکایی‌های با ناتوانی‌ها (۳۸۴)

Adapt اقتباس (۵۶)؛ هم‌سازی کردن (۳۶۱)

Adaptability

انطباق‌پذیری (۸۰)، (۱۱۶)، (۳۲۹)؛ سازش‌پذیری (۱۲۷)، (۳۳۶)،

(۳۸۵)؛ سازگاری (۱۲۷)، (۲۵۲)؛ قابلیت تطابق (۱۶۸)؛ قابلیت توافق

(۱۶۹)؛ توانایی انطباق (۲۰۴)؛ تطابق‌پذیری (۲۱۴)، (۲۲۸)، (۳۸۹)؛

تطابق (۲۵۲)

Adaptable سازش‌پذیر (۱۲۷)، (۳۸۵)؛ سازگار (۱۲۷)

- Adaptation
 سازگاری (۱۴)، (۲۴)، (۲۸)؛ انطباق (۲۰)، (۶۹)، (۸۰)؛ سازش (۳۶)، (۹۳)، (۱۲۱)؛ تغییر (۳۷)؛ انطباق حسی (۴۷)؛ هم‌سازی (۴۹)، (۱۲۸)، (۱۵۸)؛ سازش‌یافتگی (۹۳)، (۲۰۹)، (۲۲۲)؛ سازش‌پذیری، برگرفت، اقتباس (۱۲۷)؛ سازش‌دهی (۲۰۹)، (۲۲۲)؛ سازش و انطباق، سازش‌یابی (۲۵۲)
- Adaptation energy
 توان سازگاری (۱۶۶)
- Adaptation level
 سطح سازش (۱۳)؛ سطح سازگاری (۱۶)
- Adaptation level theory
 نظریه سطح سازش (۶۰)
- Adapted
 سازش‌یافته، سازگار، برگرفته (۱۲۷)
- Adapted child
 کودک انطباق داده‌شده (۱۸۱)؛ کودک سازش‌یافته (۱۸۹)، (۲۴۸)
- Adapted title
 عنوان پذیرفته‌شده (۳۳۹)
- Adaption
 انطباق (۸۸)، (۲۸۱)، (۴۲۶)
- Adaption level
 سطح انطباق (۴۶)
- Adaption theory
 نظریه سطح انطباق (۱۸۰)، (۱۸۲)
- Adaptional psychodynamics
 روان‌پویسی تطبیقی (۴۲۶)
- Adaptive
 سازشی (۵۶)، (۷۴)، (۱۵۰)؛ سازش‌پذیر، سازگار، سازش‌بخش (۱۲۷)؛ سازگارانه (۱۳۹)، (۳۰۰)، (۴۱۴)؛ انطباقی (۱۵۰)، (۱۹۰)، (۲۰۴)؛ سازمند (۲۵۲)؛ سازش‌یافته (۲۷۹)؛ سازگار یافته (۴۰۵)
- Adaptive anxiety
 اضطراب سازگاری، اضطراب سازنده (۲۵۲)
- Adaptive attributions beliefs
 اسناد و باورهای سازگارانه (۳۲۱)
- Adaptive behavior
 رفتار سازگارانه (۵۰)، (۱۶۸)؛ رفتار سازشی (۳۸۵)؛ رفتار بهنجار (۴۴۷)؛ رفتار انطباقی (۱۱۷)
- Adaptive behavior assessment system
 سیستم سنجش رفتار سازشی (۳۸۵)
- Adaptive behavior inventory for children
 پرسش‌نامه رفتار سازگاری کودکان (۱۱۷)
- Adaptive behavior scale
 مقیاس رفتار سازش (۳۸۵)، (۱۱۷)
- Adaptive changes
 تغییرات تطابقی (۱۲۸)
- Adaptive Control of thought
 نظریه کنترل سازشی فکر (۲۱۶)؛ کنترل انطباق فکر (۳۶۸)
- Adaptive culture
 فرهنگ سازش‌بخش (۱۲۷)
- Adaptive defences
 دفاع‌های سازشی (۳۱۷)
- Adaptive efforts
 تلاش‌های انطباقی (۲۰۴)
- Adaptive expertise
 تخصص سازگارکننده (۳۹۳)
- Adaptive fit
 تناسب سازشی (۳۸۴)
- Adaptive flexibility
 انعطاف‌پذیری تطبیقی (۴۹)
- Adaptive function of stereotyping
 کارکردهای انطباقی قالبی کردن (۴۳۷)
- Adaptive functioning
 عمل کرد سازگارانه (۳۲۱)
- Adaptive inflexibility
 انعطاف‌ناپذیری انطباقی (۲۹۴)، (۴۱۴)
- Adaptive instruction
 آموزش سازشی (۳۸۴)
- Adaptive learning
 یادگیری انطباقی (۹)
- Adaptive limitation
 محدودیت سازشی (۳۸۵)
- Adaptive mechanism
 مکانیسم تطابقی (۱۲۸)؛ مکانیزم سازشی (۳۳۸)
- Adaptive orientation
 جهت‌گیری انطباقی (۹۵)
- Adaptive process
 فرایند سازشی (۸۱)؛ فرایندهای انطباقی (۲۰۴)
- Adaptive response
 پاسخ سازگارانه (۴۱۲)؛ پاسخ‌های انطباقی (۲۰۰)؛ پاسخ سازگارشونده (۲۵۲)؛ پاسخ سازگارانه (۳۷۱)
- Adaptive self statements
 خودگویی‌های انطباقی (۲۵۳)
- Adaptive skills
 مهارت‌های سازشی (۳۸۵)
- Adaptive strategy choice model
 الگوی انتخاب راهبردی انطباقی (۳۳۳)
- Adaptive test
 تست انطباقی (۱۵۰)
- Adaptive testing
 سنجش انطباقی (۹۷)، (۱۰۵)، (۱۵۰)؛ آزمون انطباقی (۲۱۷)
- Adaptive thinking
 تفکر سازشی (۱۲۲)
- Adaptive value
 ارزش انطباقی (۴۶)
- Adaptors
 جورکننده‌ها (۲۱۶)؛ تنظیم‌کننده (۳۶۹)
- Add
 قاعده‌افزودن (۳۲۷)
- Added response cost
 جریمه اضافی (۴۶۳)
- Added value
 ارزش افزوده (۱۲۷)
- Addict
 معتاد (۱۱)، (۱۰۶)؛ معتاد (به مواد مخدر)، خوکرده (۱۲۷)
- Addicted
 مُعتاد، آموخت‌گار (۱۲۷)
- Addiction
 اعتیاد (۱۶)، (۳۵)، (۶۳)؛ خودکردگی، آموخت‌گاری (۱۲۷)
- Addiction acknowledgment
 پذیرش اعتیاد (۲۲۷)
- Addiction admission
 اعتراف به اعتیاد‌پذیرش اعتیاد (۲۰۱)
- Addiction potential
 استعداد اعتراف (۲۰۱)؛ استعداد اعتیاد (۲۲۷)
- Addiction recovery
 ترک اعتیاد (۴۵۲)
- Addiction severity index
 شدت اعتیاد (۱۱۴)
- Addiction to fabricate
 اعتیاد به جعل (۱۷۰)

Addictive	اعتیادآور (۱۲۷)، (۳۳۵)، (۳۹۷): افزایشی (۱۸۹)	کارآمد (۳۷)، (۳۴۸): رسا (۱۲۷): کافی (۱۲۷)، (۲۳۴)، (۲۸۱): بسنده (۱۲۷)، (۱۸۱)، (۲۳۴)
Addictive personality	تیپ شخصیت اعتیادی (۴۶۹)	
Addison's disease	بیماری آدیسون (۱۶)، (۱۱۴)	Adequate sample نمونه بسنده (۱۲۷)
Addition of probability	احتمال جمع (۲۳۰)	Adequate stimulation تحریک کافی (۱۱۰)
Addition theorem of probability	قضیه جمع (۲۳)	Adequate stimulus محرك مناسب (۶۰)، (۲۵۲)
Additional	الحاقی (۱۵۵)	ADHD combined type اختلال بیش فعالی-نوع ترکیبی (۳۲۱)
Additional optional techniques	تکنیک‌های اختیاری اضافی (۱۵۶)	ADHD predominately hyperactive type اختلال بیش فعالی-نوعی بیش فعالی غالب (۳۲۱)
Additional perfection	کمال بیشتر (۴۲۵)	Adherence هواداری پیوستگی، وفاداری (۱۲۷): پای‌بندی (۲۲۳): تبعیت (۳۸۰): توافق (۴۲۶)
Additional stimulus	محرك افزوده (۸۰)	Adherence to social roles وفاداری به نقش‌های اجتماعی (۴۱۴)
Additions	اضافه کردن (۳۸)	Adherent هوادار (۱۲۷)
Additive	جمع‌پذیر (۷۹)، (۱۲۵)، (۱۳۸): ترکیب افزایشی (۱۹۶): افزایشی (۲۵۲)، (۲۷۸)، (۳۰۰): افزودنی، ترکیبی (۳۰۹): انباشتی (۳۴۸)	Adhesion هواداری، وفاداری، چسبیدگی (۱۲۷)
Additive bilingualism	دو زبانی جمع‌پذیر (۳۶۸)	Adhesive identifications هماندسازی‌های چسبیده (۴۵۲)
Additive colour mixture	ترکیب رنگ افزایشی (۱۳۵)	Adhocracy کارخودسالاری (۱۲۷)
Additive effect	تأثیر انباشتی (۱۰۱)	Adiaphorism مُبَاح‌انگاری (۱۲۷)
Additive fashion	شیوه افزایشی (۴۹)	Adiaphorist مُبَاح‌انگار (۱۲۷)
Additive identity	عضو خنثی (۱۶۵)	Adiaphoron نه خیر و نه شر، مُباح (۱۲۷)
Additive mixture	آمیزه افزایشی (۸۳)	Adipsia نوشیدن (۱۴)
Additive models	الگوهای جمع‌پذیری (۱۰۵)	Adjacency هم‌جواری، هم‌جواره (۱۲۷)
Additive task	تکلیف جمعی (۲۴۱)	Adjacency pairs زوج‌های مجاور (۳۷۶)
Additivist	جمع‌گرا (۱۶۱)	Adjacent هم‌جوار (۱۱۳)، (۱۲۷)
Additivity	قابلیت جمع (۲۳): جمع‌پذیری (۷۹)، (۱۲۵)، (۱۵۰)	Adjective صفت، صفت‌گونه، صفت‌ها (۱۲۷)
Additivity (statistical assumption)	جمع‌پذیری (فرض آماری) (۱۷۷)	Adjective checklist فهرست صفت (۱۰۳): فهرست صفت‌ها (۲۱۷): سیاهه تیک‌زدنی صفات (۲۸۰)
Additivity hypothesis	فرضیه جمع‌پذیری (۳۹۵)	Adjective comparison صفت تفصیلی (۳۶۸)
Additivity test	آزمون جمع‌پذیری (۶۶)	Adjective self aspects جنبه‌های خودصفتی (۴۳۷)
Address	خطاب، خطاب‌گری، آدرس، نشانی (۱۲۷)	Adjoining هم‌جوار، هم‌سایه (۱۲۷)
Addressee	خطاب‌گیر (۱۲۷)	Adjournment واپس‌افکنی (۱۲۷)
Addresser	خطاب‌گر (۱۲۷)	Adjudication حکم دادگاه، دادگزار، داوری (۱۲۷)
Addressing	پرداختن (۴۱۴)	Adjunct دنبالچه، وردست، کمکی، ادات (۱۲۷)
Adenohypophysis	بخش پیشین هیپوفیز (۱۴)	Adjunctive treatment درمان کمکی (۴۰۳): درمان‌های کمکی (۴۳۵)
Adept	کاردان، چیره (۱۲۷)	Adjust میزان کردن (۲۵۲)
Adeptness	کاردانی، چیرگی (۱۲۷)	Adjust learning یادگیری میزان‌شده (۲۵۲)
Adequacy	کارایی (۳۷): بسندگی (۸۱)، (۱۲۷)، (۱۵۵): کفایت (۱۹۳)، (۲۴۱)، (۲۸۱): رسایی (۱۲۵)، (۱۲۷)، (۱۵۰): مناسبت و کفایت (۱۲۵)، (۱۵۰): بسنده‌بودن، کافی‌بودن (۲۵۲)	Adjust services خدمات الحاقی (۴۵۶)
Adequate		Adjustable درخورند، خورا، جور (۱۲۷)

Adjusted	رسمی، دولتی (۱۲۷)	Administered
درخورنده، خورا، جور، جفت‌وجور (۱۲۷)؛ تعدیل‌شده (۲۹۶)، (۳۰۳)، (۲۲۴)؛ سازگار، میزان‌شده (۲۵۲)؛ سازش‌یافته (۲۷۱)، (۲۷۲)، (۲۸۶)؛ اصلاح‌شده (۳۰۷)	اداره‌کننده، گرداننده، زمام‌دار (۱۲۷)	Administrant
Adjusted goodness of fit (AGFI)	کاربرد (۸۰)؛ اجرا (۸۰)، (۱۱۷)، (۱۵۰)؛ اداره‌کردن، گرداندن، زمام‌داری، کشورداری، دستگاه اداری، وزارت‌خانه (۱۲۷)	Administration
برازندگی تعدیل‌یافته (۳۸۸)	اداری (۱۸)، (۱۲۷)؛ اجرایی (۱۰۶)	Administrative
Adjusted group	دادگاه اداری (۱۲۷)	Administrative court
گروه جور (۱۲۷)	نظریهٔ طرح‌ریزی اداری (۸۹)	Administrative design theory
Adjusted learning	بخش‌بندی کشوری (۱۲۷)	Administrative divisions
یادگیری میزان‌شده (۲۴)	کارکنان اداری (۱۲۷)	Administrative employees
Adjusted mean	حکم اداری (۸۹)	Administrative fiat
میانگین تعدیل‌شده (۶۶)؛ میانگین تعدیل‌یافته (۳۸۸)؛ میانگین‌های تطبیق‌شده (۱۹۱)	دستور اداری، بخش‌نامه (۱۲۷)	Administrative instruction
Adjusted ratio of clustering index	حقوق اداری (۱۲۷)	Administrative law
نسبت شاخص خوشه‌بندی تطبیق‌یافته (۴۳۷)	دادگاه اداری (۱۲۷)	Administrative tribunal
Adjusted residual	گرداننده، اداره‌کننده، زمام‌دار (۱۲۷)	Administrator
باقی‌ماندهٔ انطباق‌یافته (۴۴۶)	مدیر (۳۲۹)	Administrator or manager
Adjuster	قابل تحسین (۴۱۴)؛ تحسین‌آمیزبودن (۴۱۴)	Admirable
خوگیر (۳۰۹)	دادگاه امور دریایی، حقوق دریایی (۱۲۷)	Admiralty
Adjusting	تحسین (۳۱۲)	Admiration
تعدیلی (۴۶)؛ در‌خوراندن، جفت‌وجور کردن (۱۲۷)؛ انطباقی (۲۳۵)	تحسین (۵۳)	Admire
Adjustive	پذیرفتنی، روا، مُجاز (۱۲۷)	Admissible
سازگارکننده (۱۴۰)، (۲۸۳)	مشاهدهٔ پذیرفتنی (۱۰۵)	Admissible observation
Adjustive demands	تبدیل پذیرفتنی (۱۰۵)	Admissible transformation
عوامل سازگاری، مراحل سازگاری (۱۶۹)	پذیرایی، روایی (۱۲۷)	Admissibleness
Adjustive reaction	پذیرش (۱۲۷)	Admission
واکنش سازگار (۱۸۰)، (۱۸۲)	پذیرانه (۱۲۷)	Admission fee
Adjustive skills	تصدیق، اجازه، جواز (۱۲۷)	Admittance
مهارت‌های سازگارانه (۳۰۸)، (۳۷۳)	پذیرفته، مسلم (۱۲۷)	Admitted
Adjustment	مقدمات پذیرفته (۱۲۷)	Admitted premises
سازگاری (۱۵)، (۱۸)، (۴۷)؛ درخوراندن، جورکردن، جورکرد، جورگشت، خورایی، سازواری (۱۲۷)؛ تنظیم (۱۲۹)؛ تعدیل (در آمار) (۱۵۰)، (۲۱۲)؛ سازگاری-هم‌سازی (۱۵۸)؛ هم‌سازی (۳۶)، (۱۶۷)، (۲۰۹)؛ هم‌سازکردن (۲۰۹)، (۲۲۲)؛ اصلاح (۲۳۰)؛ توافق، سازش، تعادل (۲۵۲)؛ انطباق (۴۵۲)	آمیزه، درآمیخته، مخلوط (۱۲۷)	Admixture
Adjustment counseling	سرزنش، ملامت، گوشزد، اندرز، هشدار (۱۲۷)	Admonition
مشاورهٔ سازگارکننده (۱۸۹)	صفت اسم‌گونه، وصف‌گر اسم (۱۲۷)	Adnominal
Adjustment disorder	صفت اسم‌گونه، وابند اسم (۱۲۷)	Adnoun
اختلال سازگاری (۱۴۸)، (۱۹۴)، (۳۸۰)	Adolescence	
Adjustment mechanism	استاندهٔ بلوغ (۳)؛ دورهٔ بلوغ (۷)؛ نوجوانی (۱۸)، (۳۷)، (۴۷)؛ رده (۳۷)؛ مرحلهٔ نوجوانی (۳۸)؛ برنایی (۱۲۷)، (۲۵۲)؛ سنین نوجوانی (۱۶۸)؛ بلوغ (۲۵۲)؛ شباب (۲۵۲)	
Adjustment promoting	Adolescent	
سازگاری‌افزا (۴۱۵)	نوجوانی (۱۵)؛ نوجوان (۳۷)، (۷۲)، (۱۲۷)؛ برنا (۱۲۷)	
Adjustment reaction	دادگاه نوجوانان (۱۲۷)	Adolescent court
واکنش سازگاری (۲۰۱)		
Adjustment stability type		
سرخ استواری سازگاری (۱۸۰)، (۱۸۲)		
Adjustment stress theory		
نظریهٔ فشار سازگاری (۱۵۸)		
Adjustor neurons		
نرون‌های تطبیق‌دهنده (۱۴)		
Adjuvant therapy		
درمان اضافی، ضمیمهٔ درمانی (۲۵۲)		
Adlerian counseling		
مشاورهٔ آدلری (۱۸۱)		
Adlerian psychology		
روان‌شناسی آدلر (۲۵۲)		

Adolescent Dissociative Scale (ADES)

	مقیاس تجربیات گسستگی (۳۷۳)
Adolescent growth spurt	جهش رشدی نوجوانی (۱۹۶): رشد ناگهانی دوره نوجوانی (۲۷۵)
Adolescent pregnancy	بارداری نوجوانی (۳۸۴)
Adolescent psychology	روان‌شناسی نوجوانی (۳۶)
Adopted	اختیار شده (۴۴۰)
Adopted child	فرزندخوانده (۱۲۷)، (۳۳۵)
Adoptee	فرزندخوانده (۱۲۷): فرزندخوانده‌ها (۱۹۴)
Adopting	تطابق (۴۱۴)
Adoption	فرزندخوانی، فرزندخواندگی (۱۲۷): به‌جای بچه برداشتن (۲۵۲)
Adoptionism	فرزندخوانده‌انگاری، فرزندخوانی (۱۲۷)، (۳۳۵)
Adoptive behaviour inventory	سیاهه رفتار سازشی (۲۵۲)
Adoptive families	خانواده‌های فرزندپرور (۲۶۵)
Adoptive home	خانواده قیم (۲۷۰)
Adoptive parents	پدر-مادرخوانده (۱۲۷): ناپدری و نامادری (۲۵۲)
Adoration	نیایش، پرستش (۱۲۷)
Adrenal gland	غده آدرنال (۲۴)، (۱۳۴)، (۲۲۹): غده فوق کلیوی (۸۳)، (۱۹۶)
Adrenalin	مایعی که از داخل غده آدرنال تراوش می‌شود (۲۴): آدرنالین (۴۷)، (۸۳)، (۹۰): غده آدرنالین (غده فوق کلیوی) (۱۸۸)
Adult to adult	بزرگ‌سال به بزرگ‌سال (۴۱۱)
Adult self	خودبالغ، خودبزرگ‌سال (۴۴۲)
Adulterate	تقلبی، زناکار (۱۲۷)
Adulterine	تقلبی، نامشروع، غیرقانونی، زناپی، زنازاده، حرام‌زاده (۱۲۷)
Adultery	زنا (۲۵۶)
Adrenaline	هورمون مترشحه از بخش درونی غده فوق کلیوی (۳۶): آدرنالین (۱۹۶)
Adroit	حاضرالذهن (۴۵۵)
Adualism	نادوگانه‌نگری (۱۲۱)، (۱۶۷)، (۲۷۲): نوجوان (۲۷۱)
Adulation	ستایش چاپلوسانه (۳۰۴)
Adult	بزرگ‌سال (۷۲)، (۱۲۱)، (۱۲۷): بالیده (۱۸۰)، (۱۸۲): بالغ (۱۸۰)، (۱۸۱)، (۱۸۲): کلان‌سال (۲۵۲)
Adult adult relationship	رابطه بالغ-بالغ (۴۵۲)

Adult adult transactions

	مراودات بالغ-بالغ، مناسبات بالغ-بالغ (۳۲۹)
Adult age	بزرگ‌سالی (۱۲۷)
Adult attachment	دل‌بستگی بزرگ‌سال (بالغ) (۴۱۱)
Adult attachment interview	مصاحبه دل‌بستگی بزرگ‌سال (۳۷۳)، (۴۱۱)، (۴۶۱)
Adult education	آموزش بزرگ‌سالان (۱۲۷)
Adult ego state	حالت من بالغ (۱۸۷): حالت من بزرگ‌سال (۹۸)
Adult expansions	بسط‌یابی به‌وسیله بزرگ‌سالان (۳۸۶)
Adult history	تاریخچه زمان بلوغ (۱)
Adult language	زبان بزرگ‌سالان (۳۷)
Adult like	شبه‌بزرگ‌سال (۳۳۱)
Adult love	عشق بزرگ‌سالانه (۱۲۷): عشق بزرگ‌سالی (۳۹۱)
Adult mental health	بهداشت روانی بزرگ‌سالان (۴۵۷)
Adult mortality	مرگ‌ومیر بزرگ‌سالان (۱۲۷)
Adult personality functioning assessment	سنجش کارکرد شخصیت بزرگ‌سالان (۲۲۶)
Adult personality inventory	پرسش‌نامه شخصیت بزرگ‌سالان (۲۶۹)
Adult psychology	روان‌شناسی بزرگ‌سال (۲۱۸)
Adulthood	مرحله جوانی (۲۶۰): میان‌سالی (۶۷): بزرگ‌سالی (۲۷۲): بزرگ‌سالی (۱۲۷)، (۲۰۹)، (۲۱۲): بلوغ، کمال رشد (۲۵۲)
Adults molested as children (AMAC)	بزرگ‌سالانی که در کودکی دست‌مالی جنسی شده‌اند (۳۲۹)
Advance forward movement	حرکت پیش‌تاز به‌پیش (۳۶۸)
Advance organizer	پیش‌سازمانده (۵۹): سازمان‌دهنده مقدم (۶۹): پیش‌سازمان‌دهنده (۹۶)، (۲۵۲)، (۲۷۶): پیش‌سازمان‌دهنده‌ها (۵۶)، (۲۵۷): سازمان‌دهنده‌های مقدم (۲۵۲)
Advance payment	پیش‌پرداخت (۱۲۷)
Advanced	پیش‌رفته (۱۲۷)، (۲۱۲): پیش‌تاز (۱۲۷)، (۲۵۲): پرتجربه (۴۲۶)
Advanced accurate empathy	هم‌دلی دقیق پیش‌رفته (۱۸۱)
Advanced course	دوره پیش‌رفته (۱۲۷)
Advanced empathy	هم‌دلی پیش‌رفته (۱۸۹)، (۳۰۰)
Advancement	پیش‌برد (۱۸)، (۱۲۷): ترقی (۸۹): پیش‌رفت (۱۲۷)
Advantage	برتری، فرادستی، بهره، سود (۱۲۷)

Advantageous	سودمند (۱۲۷)	Advice	اندرز (۱۰۲)، (۱۲۷): نصیحت (۱۰۲)، (۴۳۳): گزارش، خیر، سپارش (۱۲۷): رایزنی (۱۷۶)
Advantageous comparison	مقایسه سودمند (۳۱۶)	Advice advising	رایزنی (۳۲۹)
Advent	ظهور، پدیداری، ظهور مسیح (۱۲۷): پدیدآیی (۳۲۳)	Advice seeker	اندرزجو (۱۵۲)
Adventism	ظهورباوری، انتظار ظهور (۱۲۷)	Advise	اندرز (۴۶۹)
Adventist	ظهورباور (۱۲۷): ظهوریون (۳۳۸)	Advised	آگاه، با خبر (۱۲۷)
Adventitious	عارضی، بیرونی، برون بنیاد، تصادفی (۱۲۷): اتفاقی (۱۲۷)، (۳۳۸)	Advisee	خبرگیر (۱۲۷)
Adventitious deafness	ناشنوایی غیرارثی (۱۹۷): ناشنوایی حادثه‌ای (۲۰۶)	Adviser	رایزن، مشاور، اندرزگر، سپارش‌گر (۱۲۷)
Adventitious ideas	ایده‌های برون بنیاد (۱۲۷)	Advisor	مستشار (۱۸۱)
Adventure	ماجراجویی، خطرگری (۱۲۷): ماجراجویی (۲۶۰)	Advisory	اندرزگرانه، مشورتی، سپارشی (۱۲۷)
Adventurer	ماجراجو، خطرگر، خطرپیشه (۱۲۷)	Advisory organization	سازمان رایزنی (۱۲۷)
Adventuresome	پردل‌وجرتت (۴۱۴)	Advisory staff	ستاد رایزنی (۱۲۷)
Adventurous	حادثه‌جو (۲۳۴): ماجراجو (۴۱۴)	Advocacy	هوداری، پشتیبانی (۱۲۷): حمایت (۲۷۸)، (۳۰۰): حمایت‌گری (۳۵۳): موضع حمایتی (۳۹۰)
Adventurous thinking	فکرکردن پرحادثه (۱۳۵)	Advocate	وکیل، هودار، پشتیبان (۱۲۷)
Adventurousness	ماجراجویی، خطرگری، خطرپیشگی، خطرخیزی (۱۲۷)	Advocate relationship	رابطه پشتیبانی (۱۴۰)
Adverb	قید (۱۲۷)	Adynamia	بی‌حالی (۲۲۶)
Adversarial	رقابت (۳۲۸): رویارویی (۲۲۶): خصمانه (۳۹۲)	Aerial	هوایی، هومانند، خیالی (۱۲۷)
Adversarial cycle	چرخه تقابلی (۳۰۸)	Aerial perspective	منظره هوایی (۲۴)، (۲۵۲): نمای هوایی (۱۱۸)، (۱۲۷): دورنمای هوایی (۱۳۵): نمای فضایی (۱۶)
Adversarial problems	مسائل رقابت‌انگیز (۳۸۶)	Aerobic conditioning	شرطی‌سازی ورزشی (۲۲۶)
Adversary	دشمن، ضد، مخالف (۱۲۷)	Aerobic exercise	ورزش آبرویبک (۱۶۶): ورزش هوازی (۲۲۳)
Adversary evaluation	ارزش‌یابی متخاصم (۲۸۷)	Aerophagia	بلع هوا (۲۵۲)
Adversary problems	مسائل رقابتی (۲۱۶)	Aerophobia	هواهراسی (۱۲۷)
Adversative	خلاف‌آور، باژگون‌گر (۱۲۷): نقض‌آمیز (۳۶۷)	Aerosol	افشانه (۱۹۶)
Adversative relations	روابط نقض‌آمیز (۲۵۰)	Aesthesia	توان‌حسی، توان‌احساسی (۱۲۷)
Adverse	دشمن، مخالف، ضد، خلاف باژگونه، ناسازگار، زیان‌آور (۱۲۷)	Aesthesiometer	حس‌سنج (۲۴)، (۱۲۷)، (۱۳۵): حس‌سنجی (۲۵۲)
Adverse condition	شرایط معکوس (۴۵۶)	Aesthete	زیبایی‌شناسی، زیبایی‌پرست، زیباپسند، هنرپرست، اهل ذوق (۱۲۷)
Adverse drug reactions	واکنش‌های مضر مواد (۳۰۹)	Aesthetic	ذوقی (۵۶)، (۱۲۷): زیباشناختی، استتیک، زیبایی‌شناسانه، ذوق‌پسند، زیباپسندانه، هنرمندانه، حسانی، زیبایی‌شناس، هنرشناسانه، هنرشناس (۱۲۷): زیبایی‌شناختی (۲۱۲)، (۲۸۵)، (۴۵۲)
Adverseness	دشمنی، مخالفت، ضدیت، خلافتی، باژگونه‌گی، ناسازگاری، زیان‌آوری (۱۲۷)	Aesthetic appreciation	پرورش ادراک هنری (زیباشناسی) (۷۴): درک زیباشناختی، درک ذوقی (۱۲۷): التذاذ هنری (۲۱۲)
Adversity	تیره‌روزی، بدبختی (۱۲۷): نامالایمات (۳۹۸)، (۴۱۴): بدقابلی (۴۰۰): بدبباری (۴۱۴)		
Adversive	مخالف (۲۰۳)		
Advertisement	تبلیغات (۱۲۷)، (۳۱۸): آگهی (۱۲۷)		
Advertiser	تبلیغ‌گر، آگهی‌رسان (۱۲۷)		
Advertising	تبلیغ تجارتي، آگهی‌رسانی (۱۲۷)		
Advertizer	تبلیغات‌گر (۸۲)		

Aesthetic distance	فاصلهٔ زیباشناختی (۱۲۷)	مقیاس شدت عاطفه (۲۶۵)
Aesthetic experience	تجربهٔ زیباشناختی (۱۲۷)	جداسازی عاطفه (۲۸۱)
Aesthetic feeling	احساس زیباشناختی (۱۲۷)	عاطفه‌بنیاد (۲۹۷): بار عاطفی (۱۶۴)
Aesthetic judgement	قضاوت زیباشناختی (۸۸): داوری زیباشناختی، حکم ذوقی (۱۲۷)	مفهوم عاطفه-محور (۲۹۷)
Aesthetic need	نیازهای هنرشناسی (۲۹۲): نیازهای زیبایی (۲۵۲)	روان‌شناسی هیجان‌ات (۲۶۱)
Aesthetic preference	ترجیح از لحاظ زیبایی (۲۴): زیباشناسی، ترجیح از لحاظ زیبایی (۲۵۲)	نظم‌بخشی عواطف (۳۳۱): نظم‌بخشی عاطفه (۴۶۱)
Aesthetic synthetic process	فرایند ترکیبی-زیبایی‌شناختی (۴۵۲)	شناخت معطوف به عاطفه (۲۳۶)
Aesthetical	مخصوص زیبایی‌شناسی (۲۵۲): زیبایی‌شناختی (۴۳۳)	مدل‌های مرتبط با عاطفه (۲۳۶)
Aesthetician	زیبایی‌شناس، هنرشناس (۱۲۷)	Affectionation
Aestheticization	حسن‌بنیاد-انگاری، حساسی‌گری (۱۲۷)	Affected
Aetiological factors	عوامل علت‌شناختی (۱۰۰)	منفعل، متأثر (از) (۸۰): اثرپذیرفته، به‌هیجان درآمده، (رفتار) نمایشی یا نمایش‌گرانه (۱۲۷): تصنعی (۴۱۴)
Aetiological myth	اسطوره سبب‌شناختی (۳۳۸):	Affected muscle
Aetiology	ایتولوژی، علت‌شناسی (۱۸۳): ایتولوژیک، مربوط به علت‌شناسی (۱۸۳)	Affection
Aeviternity	جاودانگی، سَرَمَد (۱۲۷)	حالات محبت (۷): عاطفه (۱۲۰)، (۱۲۳)، (۱۲۷): محبت (۱۳۴)، (۱۶۹)، (۱۸۰): مهر (۲۱۴)، (۲۲۸): مهرورزی، مهرورزانه (۴۱۴): علاقه (۲۱۳)
Affair	کار، کاروبار، ماجرای عاشقانه (۱۲۷): امور (۱۲۳): رابطهٔ نامقبول، رابطهٔ آسیب‌زا (۴۰۲)	Affectional
Affair triangle	مثلث شریک عشقی (۴۶۴)	Affectional Expression (AE)
Affect	عواطف (۳۱)، (۳۸): عاطفه (۷۲)، (۹۵)، (۱۰۹): شور، حال (۱۲۷): احساس و عاطفه، تجربهٔ ذهنی و بلافاصلهٔ عواطف (۱۶۸): انفعال (۱۸۱): اثر هیجانی و احساسی (۱۸۳): شکل ابتدایی عاطفه (۲۵۲): حالت عاطفی (۴۴۱)	ابراز محبت (۲۱۴)، (۲۲۸): ابراز عاطفی (۳۷۳)
Affect and mood	خلق و عاطفه (۱۱۴)	Affectional sexual
Affect attunement	هم‌سویی عاطفی (۴۶۱)	عاطفی-جنسی (۳۹۲)
Affect blends	آمیختگی (عاطفی) (۳۶۹)	Affectionate
Affect bridge	پل عاطفی (۳۰۸)، (۳۷۳)	پُر مهر، پُر عاطفه (۱۲۷): خون‌گرم (۲۰۱)، (۴۵۵)
Affect congruence	هم‌خوانی عاطفی (۳۲۳)	Affectionateness
Affect control theory	نظریهٔ کنترل عاطفه (۳۱۵)	بی‌عاطفه (۱۲۷)
Affect displays	اظهارات عاطفی (۲۱۶): عادات نمایشی تأثیرگذار (۳۶۹)	Affectionless characters
Affect infusion model	الگوی القای عاطفه (۲۹۷)، (۳۹۵)	Affectionless control
Affect intensity	شدت عاطفه (۳۱۵)	کنترلی فاقد محبت (۴۴۶)
Affect Intensity Measure (AIM)		Affective
		عاطفی-هیجانی (۲۹): عاطفی (۸۱)، (۸۲)، (۹۳): انفعالی (۹۳)، (۱۶۷)، (۲۴۱): پرعاطفه، پرشور (۱۲۷): تأثرزا (۲۵۲): تأثری (۳۳۸)
		Affective arousal
		برانگیختگی عاطفی (۱۹۲)
		Affective attack
		حملهٔ عاطفی (۲۷۳)
		Affective attitude
		نگرش عاطفی (۲۰۴)
		Affective avoidance
		اجتناب عاطفی (۲۹۴)
		Affective binding
		محدودیت عاطفی (۳۰۸)، (۳۷۳)
		Affective communication
		ارتباط عاطفی (۳۷۳)
		Affective component
		جزء عاطفی (۲۵۲): اجزای عاطفی (۱۶۸)
		Affective conative
		عاطفی-ارادی (۳۶۷)
		Affective content
		محتوای عاطفی (۳۰۰)
		Affective deficiency
		کمبود عاطفی (۱۲۷)، کمبود انفعالی (۲۵۲)